



اگره جزو کسایبی هستی که عربی رو دوست دارن، یا لاقلاً پذیرفتن که باید تو این دو سه سال تا کنکورشون، برای درس عربی حسابی وقت بذارن که هیچ، ما کاملاً باهات موافقیم.

اما اگره جزو دستۀ دیگه‌ای هستی که هیچ‌جوره با عربی کنار نمیان و مدام می‌گن: «آه، چه فُبره این‌همه قواعد سفت و عیب غریب واسه یه زبان؟» یا «نگاه کن! اُنْتُمَا ... اَنْتُمْ ... اَنْتُنَّ ... چه کاریه فُب؟ یه کلمه بگو، شما!» و از این جور حرفا، بیا بشین یه دو کلام با هم حرف بزنیم:

کلام اول! کنکور خواهر من! کنکور برادر من! وقتی می‌دونی درصد عربی چه اثر مهمی تو نتیجۀ کنکور داره، خب یه کم گاردتو باز کن نسبت بهش، نمی‌گم دوست جون جونی شو با عربی، ولی باور کن در حد یه رفاقت معمولی رو می‌تونی داشته باشی باهاش. چه طوری؟ بعد کلام دوم بهت می‌گم.

کلام دوم فرض کن می‌خوای یه مسیر سخت و پرپیچ‌وخم رو طی کنی، معلومه که ذهنت ناخودآگاه جلوی این سختی و قدم گذاشتن تو مسیر مقاومت می‌کنه. ولی اگر کسی که قبل تو این راهورفته بهت بگه آخر راه کلی مناظر زیبا و دلپذیر منتظرته، مطمئناً راحت‌تر راه میفتی و با سختیای مسیر کنار میای. حکایت عربی‌خوندن و سختیاشه. هر چی به عربی مسلط‌تر بشی منظره‌های زیباتری منتظرته. می‌پرسی چیه؟ **اولیش** همین شیرینی موفقیت تو امتحانات و کنکور. **دومیش** واسه تو که دانش‌آموز انسانی هستی و از اون اهل دل‌اشی! لذت‌بردن بیشتر از زبان و ادبیات فارسی خودمونه. بهتر از من می‌دونی که کلی از شاهکارهای ادبیات فارسی پر از عبارات عربی هستن.

مثل این غزل حافظ: از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه / اِنِّی رأیْتُ دَهْرًا مِنْ هَجْرِكَ الْقِيَامَةَ (از دوری تو، روزگار را مثل قیامت [سخت و ترسناک] دیدم). یا غزل معروف سعدی: «به پایان آمد این دفتر» که پر از ابیات زیبای عربیه.

سومیش این که می‌تونی تا حدی خود ادبیات عربی رو هم بخونی، این قدر زیباست که نگم برات! از ادبیات کهنشون، ادبیات معاصرشون، شعرهایی که مردمش روی دیوارها می‌نویسن و معروفه به جداریات و ... مثلاً: «سَلَامٌ لِلَّذِينَ أَحْبَبْتُمْ عَبَثًا: سلام بر آنان که بیهوده دوستشان داشتیم» یا «- كَيْفَ بَنَيْتَ نَفْسَكَ؟ - جَرَحًا عَلَى جَرَحٍ»: «چگونه خودت را ساختی؟ - زخم به زخم!»

کنار این‌ها یه چیز دیگه رو هم یادت نره که هر زبان جدید، یه دنیای جدید!

اما خب، قرار نیس ما کنار گود بشینیم و فقط بگیم فلان کار رو بکن. تمام تلاشمونو کردیم که با تألیف یه کتاب خوب و جذاب، مسیر رو برات ساده کنیم. نوشتنش حدود یه سال و نیم طول کشید و مؤلفای خوبمون تلاش کردن تمام مطالب مورد نیاز شما برای تسلط کامل به مبحث عربی دهم رو در کتاب پوشش بدن. خانم زارعی گرامی و آقای اصغری عزیز ازتون ممنونم.

تشکر می‌کنم از همکارانمون تو واحد تألیف کتاب‌های انسانی، خانم الهه آرانی و آقای سعید احمدپور که همیشه تلاش می‌کنن تا کتاب‌های انسانی با بهترین کیفیت به دست شما برسه.

و ممنونم از همکاران واحد تولید، بابت روحیه‌ی خستگی‌ناپذیر و زحمات مداومشون.



با سلام خدمت همکاران گرامی و دانش‌آموزان عزیز

کتابی که پیش روی شماست، جهت آمادگی برای شرکت در آزمون‌های کنکور سراسری تألیف شده است؛ البته از آنجایی که ساختار این کتاب به صورت درس‌به‌درس است، برای آمادگی در امتحانات مدرسه و کنکورهای آزمایشی نیز به راحتی قابل استفاده می‌باشد و می‌توانید با توجه به بودجه‌بندی آزمون مورد نظر، مباحث را انتخاب و مطالعه کنید. تلاش ما در این کتاب بر این بوده است که با بینش و رویکردی کاملاً متفاوت و مطابق با سبک کتاب‌های درسی جدید حرکت کنیم و مهارت دانش‌آموز را در یادگیری کامل مطالب درسی و پاسخ‌گویی به تست‌های کنکور بالا ببریم.

معرفی بخش‌های مختلف کتاب در هر درس:

۱- درس‌نامه: بیان مطالب درسی به زبانی کاملاً ساده و روشن است و دارای مثال‌های کافی و متنوع می‌باشد. ضمن توجه به مطالب کتاب درسی، نکات کاربردی و کنکوری را به صورت کامل ذکر کرده‌ایم و تلاش نموده‌ایم بین مطالب کنکوری و کتاب درسی ارتباط مؤثری برقرار کنیم. در توضیح قواعد از جدول‌ها و نمودارهای مختلفی استفاده شده و بعد از بیان هر مطلب «نمونه تستی» مربوط به آن همراه پاسخ تشریحی ذکر شده است.

۲- کارگاه ترجمه: در پایان بخش قواعد هر درس، قواعد ترجمه مربوط به آن نیز تحت عنوان «کارگاه ترجمه» آورده شده است که دربردارنده مثال‌های کافی، نکات کنکوری ترجمه و نمونه‌های تستی است. به دانش‌آموزان عزیز توصیه می‌کنیم جهت تسلط بر تست‌های ترجمه، این بخش را نیز خیلی خوب مطالعه کنند.

۳- ترجمه و بررسی جملات مهم درس: در این بخش جملات مهم هر درس ترجمه شده و از منظر قواعدی که تا همان درس خوانده‌اید، مورد بررسی قرار گرفته است و نکات مهم کنکوری قواعد و ترجمه مربوط به آن نیز بیان شده است. مطالعه این بخش نیز در مهارت شما در پاسخ‌گویی به تست‌ها بسیار کمک‌کننده است.

۴- واژه‌نامه: تمام واژه‌های مهم به صورت درس‌به‌درس بیان شده است. این بخش محدود به واژه‌های متن نیست، بلکه شامل همه واژه‌های مهم درس می‌باشد. شکل مضارع و مصدر فعل‌ها بیان شده و به مطالب و نکات مهم واژگان نیز اشاره شده است.

۵- کلمات مترادف و متضاد: با توجه به این که این موضوع، هم در کتاب درسی و هم در تست‌های کنکور مورد توجه قرار گرفته است، کلمات مترادف و متضاد هر درس را جمع‌آوری کرده‌ایم.

۶- جمع‌های مکتسر: جمع‌های مکتسر نیز مانند مترادف و متضاد از اهمیت زیادی برخوردار است و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در تست‌های کنکور مورد پرسش قرار می‌گیرد.

۷- پرسش‌های چهارگزینه‌ای: در این بخش تیپ‌های مختلفی از تست‌ها به تعداد کافی و به صورت طبقه‌بندی شده وجود دارد و شامل تست‌های کنکور سراسری سال‌های اخیر و تست‌های تألیفی بسیار قوی و منطبق با استانداردهای کنکور سراسری می‌باشد. هم‌چنین با توجه به وجود تست‌های تألیفی متنوعی که در این مجموعه وجود دارد، تیپ‌های مختلف سؤالاتی که در سال‌های آینده نیز ممکن است در کنکور طراحی شود، پوشش داده شده است. از مطالبی که در کتاب درسی حذف شده، سؤال داده نشده و تست‌ها کاملاً منطبق با کتاب درسی و کنکورهای جدید است. این بخش شامل تست‌های واژگان (مترادف، متضاد، جمع مکتسر، ...)، ترجمه (چهارعبارتی، تک‌عبارتی)، تعریف، مفهوم، درک مطلب و قواعد می‌باشد. در پایان تست‌های قواعد هر درس، چند تست «ضبط حرکات» هم داده شده تا دانش‌آموزان به تدریج با این نوع تست‌ها آشنا شوند.

۸- پاسخ‌های تشریحی: آن‌چه در پاسخ‌گویی به تست‌ها مورد نیاز و ضروری بوده کاملاً توضیح داده شده و به نکات و موارد مهم و دام‌های تستی اشاره شده است؛ همه گزینه‌ها بررسی شده و در موارد لازم ترجمه گزینه‌ها بیان شده است.

راهنمای استفاده از کتاب

قبل از پاسخ‌دادن به تست‌های قواعد در هر بخش، ابتدا درس‌نامه مربوط به آن‌ها را به طور کامل و دقیق مطالعه کنید؛ بدیهی است که پیش از پاسخ‌دادن به تست‌های ترجمه نیز لازم است بخش کارگاه ترجمه را با حوصله بخوانید و واژگان آن درس را به خاطر بسپارید.

دانش‌آموزان عزیز توجه داشته باشند قبل از این که کلید پاسخ را نگاه کنند، جهت یادگیری بهتر، ابتدا خودشان تست‌ها را حل کنند، سپس به بخش پاسخ مراجعه کنند و پاسخ خود را مقایسه و آموخته‌های خویش را تکمیل نمایند.

البته در شیوه مطالعه و دستورالعمل استفاده از کتاب، با توجه به شرایط خاص هر دانش‌آموز ممکن است دبیران محترم و مشاوران عزیز نظرات دیگری داشته باشند که قطعاً نظر آن اساتید بزرگوار در اولویت خواهد بود.

امیدواریم که تلاش ما در تألیف این کتاب در کنار تلاش شما عزیزان در مطالعه دقیق مطالب آن، در موفقیت شما عزیزان نتیجه‌بخش باشد.

در پایان، وظیفه خود می‌دانیم از همه عزیزانی که هر یک به نوعی ما را در این مسیر یاری نمودند، قدردانی کنیم:

همکاران محترم واحد تألیف، آقایان مهدی هاشمی، سعید احمدپور و خانم الهه آرانی

همکاران گرامی در واحد تولید

همکاران محترم در واحد ویرایش فنی

دوستان گرامی آقایان محمدعلی جنانی و مختار حسامی و همکار محترم سرکار خانم ملیحه یعقوبی‌زاده که برای ویراستاری این کتاب قبول زحمت نمودند و سایر عوامل و دست‌اندرکاران.

شاد و سربلند باشید.

مؤلفان

فهرست

- ٧ الدرس الأول: ذاك هو الله
- ٣٠ الدرس الثاني: انكم مسؤولون
- ٤٦ الدرس الثالث: مطر السماء
- ٦٢ الدرس الرابع: التعاضد السلمي
- ٧٧ الدرس الخامس: هذا خلق الله
- ٩٥ الدرس السادس: المعالم الخلقة
- ١٠٨ الدرس السابع: صناعة النفط
- ١٢٢ الدرس الثامن: امن في البحار عجايبه
- ١٣٦ باعامة تشريحي
- ١٨٣ باعامة لليدي

الدَّرْسُ الثَّانِي

إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ

الأعدادُ من واحدٍ إلى مئةٍ

قواعد

همان طور که در متوسطه اول یاد گرفتید، دو دسته اعداد در عربی وجود دارد:

۱- اعداد شمارشی (اصلی): اعدادی هستند که برای شمارش و بیان تعداد یک چیز به کار می‌روند؛ مانند: واحد (یک)، اثنان (دو)، ثلاثة (سه)، عشرة (ده)، عشرون (بیست) و ...

۲- اعداد ترتیبی: اعدادی هستند که برای بیان مرتبه و جایگاه یک چیز در یک مجموعه به کار می‌روند: الأول (یکم)، الثاني (دوم)، الثالث (سوم)، العاشر (دهم)، العشرون (بیستم) و ...

قبل از آشنایی با اعداد ابتدا لازم است با یک عنصر کلیدی دیگر به نام «معدود» آشنا شویم. «معدود» چیزی است که تعداد آن توسط عدد بیان می‌شود. در ترکیب‌های زیر عدد و معدود مشخص شده‌اند:

حُمْسَةُ عَشْرٍ باحْتًا (پانزده پژوهشگر) تِسْعَةُ كُتُبٍ (نه کتاب)
 عدد معدود عدد معدود

اعداد شمارشی (اصلی)

در جدول زیر تعدادی از اعداد شمارشی (اصلی) آمده است، آن‌ها را به خاطر بسپارید و نکات بعد از آن را به طور دقیق مطالعه کنید.

واحد / واحدة	۱۱	أَحَدٌ عَشْرٌ / إِحْدَى عَشْرَةَ	۲۱	واحدٌ و عشرون / واحدةٌ و عشرون
اثنان / اثنان	۱۲	إِثْنَانِ عَشْرٍ / إِثْنَتَا عَشْرَةَ	۳۰	ثلاثون
ثلاثة / ثلاث	۱۳	ثَلَاثَةٌ عَشْرٌ / ثَلَاثَ عَشْرَةَ	۴۰	أربعون
أربعة / أربع	۱۴	أَرْبَعَةٌ عَشْرٌ / أَرْبَعَ عَشْرَةَ	۵۰	خمسون
خمسة / خمس	۱۵	خَمْسَةٌ عَشْرٌ / خَمْسَ عَشْرَةَ	۶۰	ستون
ستة / ست	۱۶	سِتَّةٌ عَشْرٌ / سِتَّ عَشْرَةَ	۷۰	سبعون
سبعة / سبع	۱۷	سَبْعَةٌ عَشْرٌ / سَبْعَ عَشْرَةَ	۸۰	ثمانون
ثمانية / ثماني	۱۸	ثَمَانِيَةٌ عَشْرٌ / ثَمَانِيَ عَشْرَةَ	۹۰	تسعون
تسعة / تسع	۱۹	تِسْعَةٌ عَشْرٌ / تِسْعَ عَشْرَةَ	۱۰۰	مئة (مائة)
عشرة / عشر	۲۰	عِشْرُونَ	۱۰۰۰	ألف

نکات مربوط به اعداد اصلی:

۱) اعداد ۱ و ۲ اگر معدودشان (اسم قبلشان) مذکر باشد، به صورت مذکر (واحد و اثنان) و اگر معدودشان مؤنث باشد، به صورت مؤنث (واحدة و اثنان) می‌آیند.

مثال: مُسْتَوْصَفٌ وَاحِدٌ (یک درمانگاه)

مُعَلِّمَانِ اِثْنَانِ (دو معلم)

۲) عدد ۲ علاوه بر «اِثْنَانٍ / اِثْنَانِ» به صورت «اِثْنَيْنِ / اِثْنَيْنِ» هم می‌آید او این بستگی به جایگاه آن در جمله دارد.

مثال: كِتَابَيْنِ اِثْنَيْنِ (دو کتاب)

نکته: دقت کنید که کلمه «أَحَدٌ» عدد نیست.

مثال: فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا: فِي يَوْمٍ مِنْهَا صَوْتٌ عَجِيبٌ شَنِينٌ.

۳) به اعداد ۳ تا ۱۰ نگاه کنید. این اعداد گاهی با «ة» و گاهی بدون «ة» می‌آیند.

مثال: فِي هَذِهِ الشَّرِكَةِ سَبْعَةٌ مُوظَّفِينَ وَ سَبْعٌ مُوظَّفَاتٍ. (در این شرکت هفت کارمند آقا و هفت کارمند خانم هست.)

۴) بین دو جزء اعداد ۱۱ تا ۱۹ هرگز «و» قرار نمی‌گیرد.

مثال: ۱۳: ثَلَاثَةٌ عَشْرَ (درست) - ثَلَاثَةٌ وَ عَشْرَ (نادرست) ۱۸: ثَمَانِيَةٌ عَشْرَةَ (درست) - ثَمَانِيَةٌ وَ عَشْرَةَ (نادرست)

بیشتر بدانیم

به اعداد ۱۱ تا ۱۹، اعداد مرکب گفته می‌شود.

۵) عدد ۱۲ علاوه بر «اِثْنَا عَشَرَ / اِثْنَا عَشْرَةَ» به صورت «اِثْنَيْ عَشَرَ / اِثْنَيْ عَشْرَةَ» هم می‌آید.

۶) به اعداد ۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰، ۹۰ اصطلاحاً «عُقُود» می‌گویند. این اعداد آخرشان «وَنَ» یا «يَنَ» دارد: عَشْرُونَ (عشرین)، ثَلَاثُونَ (ثلاثین)، أَرْبَعُونَ (أربعين) و ...

۷) به اعداد ۲۱، ۲۲، ۳۵، ۴۷، ... ۹۹ «اعداد معطوف» می‌گویند. مهم‌ترین مطلب در این اعداد این است که برخلاف فارسی، ابتدا یکان و سپس دهگان می‌آید: یکان + دهگان

مثال: ۷۸: ثَمَانِيَةٌ وَ سَبْعُونَ ۹۳: ثَلَاثَةٌ وَ تِسْعُونَ ۴۵: خَمْسَةٌ وَ أَرْبَعُونَ ۶۷: سَبْعَةٌ وَ بَسْتُونَ



عَيْنُ الْخَطِّ عَنِ الْأَعْدَادِ:

۱) ۱۴: أَرْبَعَةٌ عَشْرَ ۲) ۳۷: ثَلَاثُونَ وَ سَبْعَةٌ ۳) ۸۰: ثَمَانِينَ ۴) ۹: تِسْعَ

نکته: گزینه «۲» در اعداد معطوف همیشه ابتدا یکان می‌آید و سپس دهگان. (کاربرد درست: سَبْعَةٌ وَ ثَلَاثُونَ)

نکات مربوط به معدود

۱) جایگاه معدود: به طور کلی معدود در اعداد شمارشی همیشه بعد از عدد می‌آید: «عدد + معدود»؛ اما در اعداد ۱ و ۲ قبل از عدد می‌آید.

مثال:

دو ماشین: سَيَّارَتَانِ اِثْنَانِ (درست) اِثْنَانِ سَيَّارَتَانِ (نادرست)

دو دست: يَدٌ وَاحِدَةٌ (درست) وَاحِدَةٌ يَدٌ (نادرست)

بیشتر بدانیم

اعداد یک و دو برای معدود خود نقش صفت را دارند.

۲) معدود اعداد ۳ تا ۱۰ همیشه به صورت جمع است. [جمع مکسر، جمع مذکر سالم یا جمع مؤنث سالم] از نظر نقش هم مضاف‌الیه است.

مثال: سَبْعَةُ أَيَّامٍ (هفت روز) تِسْعُ آيَاتٍ (نه آیه) أَرْبَعَةُ مُعَلِّمِينَ (چهار معلم)

مضاف‌الیه (جمع مکسر) مضاف‌الیه (جمع مؤنث سالم) مضاف‌الیه (جمع مذکر سالم)

۳) معدود اعداد ۱۱ تا ۹۹ به صورت مفرد می‌آید.

مثال: اِثْنَتَا عَشْرَةَ طَائِرَةً (دوازده هواپیما) ثَلَاثَةٌ وَ ثَلَاثِينَ طَبِيبًا (سی و سه پزشک)

مفرد مفرد



عملیات ریاضی و درصد

یکی از مواردی که در بحث اعداد شمارشی (اصلی) باید بدانیم، عملیات «جمع، تفریق، ضرب، تقسیم و درصد» است که می‌خواهیم با عنوان عربی آن‌ها آشنا شویم.

- جمع ← **زائد**؛ مثال: $۵ + ۸ = ۱۳$ ؛ ۱۳ زائد ۵ و ۸ است.
- تفریق ← **ناقص**؛ مثال: $۴۴ - ۲۱ = ۲۳$ ؛ ۲۳ ناقص ۴۴ است و ۲۱ و ۲۳ با هم ۴۴ می‌سازند.
- تقسیم ← **تقسیم علی**؛ مثال: $۱۰۰ \div ۵ = ۲۰$ ؛ ۲۰ تقسیم علی ۱۰۰ است و ۵ و ۲۰ با هم ۱۰۰ می‌سازند.
- ضرب ← **فی، ضرب فی**؛ مثال: $۱۱ \times ۷ = ۷۷$ ؛ ۷۷ ضرب فی ۱۱ و ۷ است.
- درصد ← **فی المئه**؛ مثال: ۶۰% ؛ ۶۰ فی المئه است.



عین الخطأ:

- (۱) ۵ و ۸ در مجموع ۱۳ می‌سازند و ۱۳ از ۵ و ۸ بزرگ‌تر است!
- (۲) ۱۳ از ۵ و ۸ کوچک‌تر است!
- (۳) ۲۳ از ۴۴ و ۲۱ بزرگ‌تر است!
- (۴) ۲۳ از ۴۴ و ۲۱ کوچک‌تر است!
- بمع** گزینۀ «۳» بررسی گزینه‌ها:
- گزینه (۱): $۲۵ \times ۳ = ۷۵$
- گزینه (۲): $۱۲ + ۸۱ = ۹۳$
- گزینه (۳): $۸۵ \div ۵ = ۱۷$ ← درست: ۱۷ ۵ و ۱۷ با هم ۸۵ می‌سازند.
- گزینه (۴): $۴۲ - ۱۸ = ۲۴$

اعداد ترتیبی

اعداد ترتیبی بسیار ساده هستند. در جدول زیر تعدادی از اعداد ترتیبی یکم تا صدم آمده است.

م	الأول / الأولى (یکم، یکمین)	م	الحدادی عَشْرَ / الحادية عشرَ	م	الحدادی و العشرون / الحادية و العشرون
م۲	الثاني / الثانية	م۱۲	الثاني عشرَ / الثانية عشرة	م۳۰	الثلاثون
م۳	الثالث / الثالثة	م۱۳	الثالث عشرَ / الثالثة عشرة	م۴۰	الأربعون
م۴	الرابع / الرابعة	م۱۴	الرابع عشرَ / الرابعة عشرة	م۵۰	الخمسون
م۵	الخامس / الخامسة	م۱۵	الخامس عشرَ / الخامسة عشرة	م۶۰	الستون
م۶	السادس / السادسة	م۱۶	السادس عشرَ / السادسة عشرة	م۷۰	السبعون
م۷	السابع / السابعة	م۱۷	السابع عشرَ / السابعة عشرة	م۸۰	الثمانون
م۸	الثامن / الثامنة	م۱۸	الثامن عشرَ / الثامنة عشرة	م۹۰	التسعون
م۹	التابع / التاسعة	م۱۹	التابع عشرَ / التاسعة عشرة	م۱۰۰	المئة (المائة)
م۱۰	العاشر / العاشرة	م۲۰	العشرون		

نکات مربوط به اعداد ترتیبی

- در اعداد ترتیبی غالباً ابتدا اسمی می‌آید که قرار است مرتبه و جایگاهش مشخص شود و سپس عدد (معدود + عدد).
- اعداد ترتیبی، صفت اسم ماقبل (معدود) خود هستند و معمولاً «ال» دارند.
- عدد «یکم» به صورت «الأول / الأولى» و اعداد دوم تا دهم [او همین جزء در اعداد بزرگ‌تر] بر وزن «فَاعِل» می‌آیند و این بهترین روش تشخیص اعداد ترتیبی است: الثاني، الثالث، الرابع و ...
- اعداد عقود برای اعداد ترتیبی و شمارشی یکسان هستند.



عَيَّن الصَّحِيحَ لِلْفَرَغَاتِ: «سورة الحجرات المباركة في الجزء من القرآن الكريم و لها آية و في الآية نُهانا الله عن السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْآخِرِينَ.»

١) ستة و عشرين - ثماني عشرة - الإحدى عشرة
٢) السادس و العشرين - ثماني عشرة - الإحدى عشرة
٣) السادس و العشرين - ثماني عشرة - الحادية عشرة
٤) ستة و عشرين - الثامنة عشرة - الحادية عشرة

بمعنى: با دقت در معنای جمله متوجه می‌شویم که در جای خالی اول باید عدد ترتیبی قرار بگیرد. اعداد ترتیبی هم که جزء یکانشان بر وزن «فاعل» می‌آید: بیست و ششم = السادس و العشرين (رد گزیننه‌های ١ و ٤). در جای خالی دوم باید عدد شمارشی (اصلی) قرار بگیرد: هجده آیه = ثماني عشرة آية (رد گزیننه ٤). در جای خالی سوم هم باید عدد ترتیبی بیاید: آیه یازدهم = الآية الحادية عشرة (رد گزیننه‌های ١ و ٢).



- ١) همان‌طور که اشاره شد عدد ١٠٠، «مئة» هست که به صورت «مائة» هم نوشته می‌شود.
- ٢) معادل دویست «مِئَتان» یا «مِئَتَيْنِ» است. زمانی که این عدد مضاف واقع شود، «نون» آخر آن حذف می‌شود (مِئَتان - مِئَتِي).
- مثال: زَرَعَ المزارعون مِئَتِي شجرة في أراضيهم: کشاورزان دویست درخت در زمین‌هایشان کاشتند.
- ٣) معادل هزار «ألف» است و دوهزار می‌شود: «ألفان» یا «ألفين». این عدد هم اگر مضاف واقع شود، «نون» انتهای آن حذف می‌شود: ألفا / ألفي.
- مثال: هذه الشجرة قد تبلغ من العمر ألفي سنة: عمر این درخت گاهی به دوهزار سال می‌رسد.

ساعت‌شناسی

مهم‌ترین نکته در بحث ساعت این است که ساعت‌های کامل، اعدادشان به صورت عدد ترتیبی و مؤنث (بر وزن «فاعلة») می‌آید.

- مثال: ساعت ٣: الساعة الثالثة
ساعت ١٢: الساعة الثانية عشرة
ساعت ٥: الساعة الخامسة
ساعت ٩: الساعة التاسعة
هم‌چنین برای بیان ١٥ دقیقه از «الربع» و برای بیان ٣٠ دقیقه از «النصف» استفاده می‌کنیم.
- مثال: ساعت ١٥:٦: الساعة السادسة و الربع
ساعت ٨:٣٠: الساعة الثامنة و النصف

بیشتر بدانیم

برای بیان ساعتی، مانند ٤٥:٥ از دو روش استفاده می‌شود:
١) الساعة السادسة إلا رُبْعاً. ٢) الساعة الخامسة و خمس و أربعون دقيقة

کارگاه ترجمه

- ١) در برخی از موارد ممکن است همراه عدد هیچ معدودی نیاید. در این حالت معمولاً در ترجمه از «چیز، تا، مورد، نفر و ...» استفاده می‌شود.
- مثال: أربعة أحبُّها: قراءة الكتب و الرياضة و مشاهدة التلفاز و الاستماع إلى الأغاني: چهار چیز را دوست دارم: خواندن کتاب، ورزش، دیدن تلویزیون و گوش‌دادن به موسیقی‌ها.
- ٢) نقش حرف جرّ «ب» در تغییر معنای فعل: بچه‌ها، یک سری فعل‌ها هستند که اگر با حرف جرّ «ب» بیایند، معنای جدیدی به خود می‌گیرند.
- مثال: قام: بلند شد، برخواست ← قام ب: انجام داد (کاری را)، پرداخت (به کاری) و ...
- قام المعلم من الكرسي و قام بتوزيع أوراق الامتحان بين التلاميذ: معلم از صندلی بلند شد و به توزیع برگه‌های امتحان میان دانش‌آموزان اقدام کرد (پرداخت).

- جاء: آمد ← جاء ب: آورد (کسی یا چیزی را)
جاء الشرطي بالمجرم إلى المحكمة: پلیس مجرم را به دادگاه آورد.
- أتى: آمد ← أتى ب: آورد (کسی یا چیزی را)
نُرْجُو أن يأتي الأبُّ بالأخبار السارة: امیدواریم پدر خبرهای خوشحال‌کننده بیاورد.



۱۷ اسلوب «ما أفعل + ...»

وقتی می‌خواهیم شگفتی و تعجبمان را از یک چیز بیان کنیم از این اسلوب استفاده می‌کنیم: ما + واژه‌ای بر وزن «أفعل» + ...
مثال ما أجمَل غاباتِ مازندران و طبيعتها: جنگل‌های مازندران و طبیعت آن چه قدر زیباست!
 ما أنفَع مطالعة هذه الكتب: مطالعه این کتاب‌ها چه قدر سودمند است!

ما أحسن إهتمامِ المواطنينِ بنظافةِ مدينتهم: توجه هم‌وطنان به تمیزی شهرشان چه قدر خوب است!
 یکی از مهم‌ترین موارد در مبحث اعداد، درست ترجمه کردن عدد اصلی و ترتیبی است. طراحان تست معمولاً به این موضوع توجه دارند و اعداد اصلی را به صورت ترتیبی یا بالعکس ترجمه می‌کنند.

بازرسی

عَيِّن الصَّحِيح:

- ۱) تَعَلَّمَ أَخِي الصَّغِيرَ فَصَلًّا وَاحِدًا مِنْ كِتَابِهِ الرَّابِعِ: برادر کوچکم اولین فصل از کتاب چهارم را یاد گرفت!
- ۲) كَانَ عِنْدِي ضَيْفٌ وَاحِدٌ قَدْ جَاءَ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ إِلَى بَيْتِي: یک میهمان داشتم که برای بار دوم به خانه من آمده بود!
- ۳) قَرَأْتُ مِنَ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ عَشْرَ آيَاتٍ مِنَ السُّورَةِ الثَّلَاثَةِ: ده آیه از سه سوره از قرآن کریم را خواندم!
- ۴) فَازَتْ تَلْمِيذَتَانِ اثْنَتَانِ مِنْ بَيْنِ سَبْعِ طَالِبَاتٍ فِي الْمَسَابَقَةِ الْعِلْمِيَّةِ: از میان هفت دانش‌آموز شرکت‌کننده در مسابقه علمی، دومین نفر برنده شد!

پنج گزینه ۲ «واحد» عدد اصلی و «الثانية» عدد ترتیبی است و ترجمه آن‌ها در این گزینه صحیح است.
بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: «واحد» عدد اصلی است: یک فصل؛ در ضمن ضمیر «ه» در «کتابه» نیز ترجمه نشده: کتاب چهارم
 گزینه ۳: «السورة الثالثة: سوره سوم نه «سه سوره»
 گزینه ۴: تلمیذتان اثنتان: دو دانش‌آموز نه «دومین نفر»

ترجمه و بررسی برخی از جملات مهم درس

«عِنْدَئِذٍ سَمِعْتُ سَمِيئَةَ صَوْتِ مُكَيِّفِ الْهَوَاءِ مِنْ إِحْدَى الْحُجْرَاتِ.»

ترجمه: در این هنگام سمیه صدای کولر را از یکی از اتاق‌ها شنید.

نکته «إِحْدَى» به معنای «یکی از» عدد نیست؛ آن را با عدد یک (واحد - واحدة) اشتباه نگیرید.

◀ کلمات «مُكَيِّفِ»، «الْهَوَاءِ» و «الْحُجْرَاتِ» همگی مضاف‌الیه هستند.

«فَطَلَّتْ أَنَّ طَالِبَاتٍ صَفًّا آخَرَ فِي حِصَّةِ تَقْوِيَةٍ، أَوْ يُمَارِسْنَ نَشَاطًا حُرًّا.»

ترجمه: پس گمان کرد که دانش‌آموزان کلاس دیگری در زنگ درسی تقویتی هستند یا فعالیت آزاد انجام می‌دهند.

نکته «آخَر» به معنای «دیگر» است و «آخِر» به معنای «پایان» (مؤثَبَّ «آخِر» ← آخِرَة / مؤثَبَّ «آخِر» ← أُخْرَى)

◀ «صَفًّا آخَرًا» و «نَشَاطًا حُرًّا» ترکیب وصفی و «طَالِبَاتٍ صَفًّا» و «حِصَّةِ تَقْوِيَةٍ» ترکیب اضافی هستند.

«كَانَتْ فَاطِمَةُ تَذْهَبُ لِإِعْلَاقِ حَنْفِيَّةِ الْمَاءِ الَّتِي كَانَتْ مَفْتُوحَةً قَلِيلًا.»

ترجمه: فاطمه برای بستن شیر آبی که کمی باز بود، می‌رفت.

◀ «كَانَتْ ... تَذْهَبُ» معنی ماضی استمراری می‌دهد. (کان + مضارع ← ماضی استمراری)

◀ «حَنْفِيَّةِ الْمَاءِ» ترکیب اضافی است.

«وَفِي صَبَاحِ الْيَوْمِ التَّالِيِ، شَكَرْتُ مُدِيرَةَ الْمَدْرَسَةِ فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ سَمِيئَةَ وَفَاطِمَةَ لِاهْتِمَامِهِمَا بِالْمُرَافِقِ الْعَامَّةِ.»

ترجمه: و در صبح روز بعد، مدیر مدرسه در صف صبحگاه از سمیه و فاطمه به خاطر توجهشان به تأسیسات عمومی تشکر کرد.

◀ «الْيَوْمِ التَّالِيِ»، «الاصطفاف الصباحي» و «المُرافق العامّة» ترکیب‌های وصفی هستند.

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا ...﴾

ترجمه: هر کس کار نیک بیاورد، ده برابرش [پاداش] دارد.

نکته «جاء» با حرف «ب» معنای «آورد» می‌دهد [جاء (آمد) ← جاء ب (آورد)]

نکته برای مفهوم داشتن از «ب» یا «عند» + اسم یا ضمیر متصل استفاده می‌کنیم: لَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا: ده برابرش را دارد.

◀ «عَشْرًا» از اعداد اصلی است و همان‌طور که می‌بینید معدودش به صورت جمع (أَمْثَال) آمده است.

«الْكَلْبُ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ صَوْتِ السَّاعَةِ مِنْ مَسَافَةِ أَرْبَعِينَ قَدَمًا.»

(ترجمه: سگ می تواند صدای ساعت را از مسافت چهل قدم بشنود.)

◀ «أربعين» در این جا از اعداد اصلی و جزء اعداد عقود است.

«هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ ثَمَانِينَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَسْرَاتٌ؟»

(ترجمه: آیا می دانی که هشتاد درصد از موجودات جهان، حشرات هستند؟)

بدون توجه همان طور که در بخش قواعد گفتیم، برای بیان درصد از (عدد + في المئة) استفاده می کنیم: ثمانين في المئة ← (هشتاد درصد)

توجه «أَنَّ» به معنای «که، این که» است و نباید آن را با «إِنَّ» به معنای «بی گمان، قطعاً» اشتباه بگیریم.

◀ «موجودات العالم» ترکیب اضافی است.

المفردات

فَاقٌ: برتری یافت (مضارع: يَفُوقُ)	جاءَ بِـ: آورد [جاءَ: آمد]	أَنَارَ: برانگیخت (مضارع: يُنِيرُ/ مصدر: إِنْارَة)
فَرَعٌ: خالی شد (مضارع: يَفْرَعُ)	جامعةٌ: دانشگاه [مُجْتَمَع: جامعه]	أَحْسَنَ: خوبی کرد، خوب انجام داد
فَرِيقٌ: تیم، گروه	جُنْدِيٌّ: سرباز	(مضارع: يُحْسِنُ/ مصدر: إِحْسَان)
فِضِيَّةٌ: نقره‌ای [فِضَّة: نقره]	حَافِظٌ عَلَيٌّ: از ... نگه‌داری کرد (مضارع: يُحَافِظُ/ مصدر: مُحَافَظَة)	أَحْسَنْتُ: آفرین بر تو
قَامَ: برخاست، بلند شد (مضارع: يَقُومُ/ مصدر: قِيَام)	حِفاظ عَلَيٌّ: نگه‌داری از	أَخْبَرَ: خبر داد (مضارع: يُخْبِرُ/ مصدر: إِخْبَار)
كُرَّة القَدَمِ: فوتبال	حُجْرَةٌ: اتاق [جمع: حُجْرَات]	أَرْسَلنا: فرستادیم
لَبِثَ: اقامت کرد، ماند (مضارع: يَلْبِثُ)	حُرٌّ: آزاد، آزاده	إِصْطَفاه صَباحي: صف صبحگاه
ما أَجْمَلٌ: چه زیباست	حِصَّةٌ: زنگ درسی، قسمت	أَطْفَأَ: خاموش کرد (مضارع: يُطْفِئُ/ مصدر: إِطْفَاء)
مَارَسَ: انجام داد، تمرین کرد (مضارع: يُمارِسُ/ مصدر: مُمارَسَة)	حَنْفِيَّةُ المَءِ: شیر آب	أَعَمِدَة: ستون‌ها
مُحَافَظَة: استان	دَوامٌ: ساعت کار «دوام مَدْرَسِي: ساعت کار مدرسه»	أَغْلَقَ: بست (مضارع: يُغْلِقُ/ مصدر: إِغْلَاق)
مُرَافِق عَامَّةٌ: تأسیسات عمومی	دَوْرَة المِياه: سرویس بهداشتی	إِقْتِراح: پیشنهاد
مِضِيف: مهمان دوست	رَمَى: پرت کرد (مضارع: يَرْمِي)	إِمْتَلَكَ: مالک شد (مضارع: يَمْتَلِكُ/ مصدر: إِمْتِلاك)
مُغْلِقٌ: بسته شده، بسته	زائِدٌ: به اضافه	إِنْتَفَعَ بِـ: از ... سود برد (مضارع: يَنْتَفِعُ/ مصدر: إِنتِفاع)
مُكَيِّفٌ، مُكَيِّف الهِواءِ: کولر	ساوَى: برابر شد (مضارع: يُساوي/ مصدر: مُساوَة)	إِنْجِلِيزِيَّةٌ: انگلیسی
مُنظَمَة: سازمان	سائِحٌ: گردشگر	بَسَطَ: گستراند (مضارع: يَبْسِطُ)
مُواطِنٌ: شهروند، هم‌میهن، هم‌وطن	سَماعٌ: شنیدن [مصدر است.]	بِضائِعٌ: کالاها
ناقصٌ: منهای	شَعْبٌ: ملت	بُقْعَة: قطعه زمین
نشاطٌ: فعالیت	ضَرْبٌ فِي: ضرب در [در این اصطلاح برای اختصار، کلمه «ضَرْب» غالباً حذف می‌شود.]	بِهيمَة: چارپا [به جز درندگان]
نَصَحَ: پند داد (مضارع: يَنْصَحُ)	عِنْدئذٍ: در این هنگام	تَعاوُنٌ: همکاری کرد (مضارع: يَتَعاوُنُ/ مصدر: تَعاوُن)
نُفايَة: زباله	فارِغٌ: خالی	تِيارٌ: جریان
نَمْلَة: مورچه		
ها تِف: تلفن		
هُدوءٌ: آرامش		

الكلمات المتداولة

ناس = شَعْب (مردم)	سَنَة = عام (سال)	أَخَبَرَ = أَعْلَنَ (آگاه کرد)
واجِبات = وظائف (تکالیف، وظایف)	طريق = سبيل (راه)	اهتمام = عناية (توجه)
هُدوء = سَكينة (آرامش)	عِنْدئذٍ = حينئذٍ (در این هنگام)	تَكَلَّمَ = تَحَدَّثَ (سخن گفت)
	لَبِثَ = بَقِيَ (باقی ماند)	حُجْرَة = عُرْفَة (اتاق)
	مصباح = سراج (چراغ)	رَمَى = قَدَّفَ (پرتاب کرد)

الكلمات المتضادة

إبتداء (أغازشدن) ≠ إنتهاء (پایان یافتن)	إمتلک (مالک شد، به دست آورد) ≠ فَرغ (خالی) ≠ مَمْلوء (پر)
أحسن (نیکی کرد) ≠ أساء (بدی کرد)	فَقَدَ (از دست داد)
إستلمَ (دریافت کرد) ≠ دَفَعَ (پرداخت کرد)	إنتَفَعَ (سود برد) ≠ خَسِرَ (زیان کرد)
أعطى (داد، بخشید)	بَنین (پسران) ≠ بنات (دختران)
أغلقَ (بست) ≠ فَتَحَ (باز کرد)	تَدَکَّرَ (به یاد آورد) ≠ نَسِيَ (فراموش کرد)
إتخذَ (گرفت) ≠ أعطى (داد)	حَرَ (آزاد) ≠ عَبَدَ (بنده)
جَيَدَ (خوب) ≠ سَيِّئَ (بد)	حَسَنَة (کار خوب) ≠ سَيِّئَة (کار بد)
أمام (جلو) ≠ خَلْفَ (پشت)	صَغِير (کوچک) ≠ كَبِير (بزرگ)

الجموع المعكوسة

أمتار ← متر (متر، واحد اندازه گیری)	جوائز ← جائزة (جایزه)
أشجار ← شجر / شجرة (درخت)	حدائق ← حديقة (باغ)
أصوات ← صوت (صدا)	جيران ← جار (همسایه)
أعمدة ← عمود (ستون)	صفوف ← صف (کلاس)
أمثلة ← مثال (مثال)	شعوب ← شعب (ملت)
أيدي ← يد (دست)	عمال ← عامل (کارگر)
بضائع ← بضاعة (کالا)	غرف ← غرفة (اتاق)
بهائم ← بهيمة (چارپا)	متاحف ← متحف (موزه)
بقاع ← بقعة (قطعه زمین)	مرافق ← مرفق (تأسیسات)
مصباح ← مصباح (چراغ)	جوائز ← جائزة (جایزه)
نوافذ ← نافذة (پنجره)	حدائق ← حديقة (باغ)
نعاج ← نعجة (میش)	جيران ← جار (همسایه)
مشاة ← ماشي (پياده)	صفوف ← صف (کلاس)
هدايا ← هدية (هدیه)	شعوب ← شعب (ملت)
هواتف ← هاتف (تلفن)	عمال ← عامل (کارگر)

برسش های چهارگزینه ای

واژگان

- ۱۰۴- عَيِّن الصَّحِيحَ فِي تَرْجُمَةِ الْمُفْرَدَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ:
- (۱) الجيرانُ أَخْبَرُونَا بِمَا حَدَثَ فِي الشَّارِعِ! ← خير داديم
- (۲) هَلْ يَمْتَلِكُ أَبُوكَ أَرْضًا فِي الْقَرْيَةِ؟ ← مالک است
- (۳) المرافقُ العامَّةُ هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي يَنْتَفِعُ بِهَا النَّاسُ! ← سود می رسانند
- (۴) مَا أَجْمَلَ غَابَاتِ هَذِهِ الْمَحَافِظَةِ! ← زیبا نشد
- ۱۰۵- عَيِّن الخَطُّ فِي تَرْجُمَةِ الْمُفْرَدَاتِ:
- (۱) أَرْسَلْنَا: فرستادیم
- (۲) جَاءَ بِ: آورد
- (۳) مَا قَبِلْتُ: نپذیرفت
- (۴) يَفُوقُ: متفوت است
- ۱۰۶- عَيِّن تَرْجُمَةَ الْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ بِالترْتِيبِ: «فَامَتْ سَمِيَّةٌ فِي حِصْبَةِ الْعُلُومِ الْاجْتِمَاعِيَّةِ وَ قَالَتْ: نَتَعَاوَنُ جَمِيعًا!»
- (۱) بلند شد - کلاس - یاری می کنیم
- (۲) برخاست - زنگ - همیاری می کنیم
- (۳) انجام داد - زنگ درسی - هماهنگی می کنیم
- (۴) اقدام کرد - زنگ - همکاری می کنیم
- ۱۰۷- عَيِّن مَا فِيهِ كَلِمَةٌ لَا تَنَاسِبُ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى:
- (۱) الغراب، العصفورة، الحمامة
- (۲) الزرافة، الكلب، الذئب
- (۳) القرية، المحافظة، المدينة
- (۴) الزائر، السائح، المسافر
- ۱۰۸- عَيِّن الخَطُّ فِي تَعْرِيفِ الْكَلِمَاتِ:
- (۱) السائح: الَّذِي يُسَافِرُ إِلَى الْبِلْدَانِ الْأُخْرَى!
- (۲) المضيف: صِفَةُ لِشَخْصٍ يُحِبُّ الضَّيْفَ وَ يَحْتَرِمُهُ!
- (۳) التَّمَلُّعُ: حَشَرَةٌ تَقْدُرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ أَصْغَرَ مِنْ نَفْسِهَا فَقَطْ!
- (۴) المُواطِنُ: هُوَ الَّذِي يَعِيشُ مَعْنَا فِي بِلَادٍ وَاحِدَةٍ!
- ۱۰۹- عَيِّن الْمَفْرَدَاتِ الَّتِي لَا تَنَاسِبُ لِتَكْمِيلِ الْفَرَاعِيْنَ: «إِذَا مَعْنَى الْمَرَاقِ الْعَامَّةِ فَ لَنَا أَمِثْلَةٌ لَهَا!»
- (۱) نَسِيْتُمْ - إْحْفَظُوا
- (۲) قَرَأَتْ - قُلْ
- (۳) فَهَمَّتْ - أَدْكُرِي
- (۴) تَعَلَّمْتَن - أُكْتَبُنْ

۱۱۰- عَيِّنِ الْخَطَأَ لِتَكْمِيلِ الْفَرَاقَاتِ:

- (۱) هذا الطالبُ كانَ يَنتَظِرُ والِدَهُ بَعدَ انْتِهاهِ المَدْرَسَةِ! ← الدَّوامُ
 (۲) هذا حَسَنٌ وَنَسْتَطِيعُ أَنْ نَسْتَفِيدَ مِنْهُ فِي حَلِّ مُشْكِلاتِنَا! ← الاقتراب
 (۳) اللَّاعِبُونَ يُمارِسونَ نِشاطاً فِي المَلْعَبِ قَبْلَ اللَّعِبِ! ← حُرّاً
 (۴) الفائِزُ كَرَّةً صَغِيرَةً بَينَ صَفوفِ المُتَفَرِّجِينَ! ← رَمَى

۱۱۱- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي المُتَرادِفِ وَالمُتضادِّ:

- (۱) مازِسٌ ≠ فَقدَ (۲) شاهَدَ = رَأى (۳) اِقتِراحٌ ≠ مُخالَفةٌ (۴) حِصَّةٌ ≠ صَفٌّ

۱۱۲- عَيِّنِ عِبارةً ما جَاءَ فِيها المُتضادُّ:

- (۱) سَأَلَ المَعْلَمُ طالِباً فَأَجابَهُ فوراً!
 (۲) أَشعَلَ الطِفْلُ ناراً، ثُمَّ خافَ وَ أَطفاها بِسرعةٍ!
 (۳) فَقدْتُ مَحْفَظَتِي فَوجدْتُها بَعدَ يَومَينِ!
 (۴) يَنتَفِعُ النَّاسُ بِالمَرافِقِ العامَّةِ وَ يَسْتفيدونَ مِنْها!

۱۱۳- عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي المُفْرَدِ أَوِ المُجمَعِ:

- (۱) أَقمار ← مفردة «قَمَر» (۲) صُوف ← مفردة «صَفٌّ» (۳) مَدِينَةٌ ← جمعة «مُدُن» (۴) عَمود ← جمعة «أعماد»

۱۱۴- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي مُتَرادِفِ الكَلِماتِ الَّتِي تَحْتِها حَطُّ:

- (۱) أَحَبَرْتُ سُمَيَّةَ أُمَّها بِما شاهَدْتُ فِي العُرْفَةِ. ← الحُجْرَةَ
 (۲) هَلْ أَنْتَ تَشعُرُ بِالمَسؤولِيَّةِ كَمَواطينِ؟ ← تُحسِنُ
 (۳) ظَنَّ المَدْرَسُ أَنَّ الَّذِي جَاءَ عِندَهُ مُحَمَّدٌ. ← سَحَبَ
 (۴) فِي العَامِ المَاضِي جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الأُولَى إِلى طَهْرانَ. ← سَنَوِيّاً
 ۱۱۵- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي مُفْرَدِ الكَلِماتِ الَّتِي تَحْتِها حَطُّ:

- (۱) ذَهَبْتُ لِإِطْفاءِ المِصابيحِ إِلى حُجراتِ المَدْرَسَةِ! ← المِصباحِ
 (۲) يَعمَلُ العَمالُ فِي المَصنَعِ سَبْعَ ساعِاتٍ! ← العَميلِ
 (۳) ذَهَبْتُ لِزِيارَةِ الإِمامِ الرِّضاءِ (ع) ثامِنِ أَئمَّتِنَا! ← أُمَّةٍ
 (۴) هَذِهِ الأَمكانُ تَحْتَاجُ إِلى الصِّيانَةِ وَ المَحافَظَةِ! ← الإِمكانِ

۱۱۶- كَمَ جَمعاً جَاءَ فِي هَذِهِ العِبارَةِ؟: «ذَكَرْتُ المَدارسَ وَ المَتاحِفَ وَ دَوراتِ المِياهِ وَ المَكْتباتِ كَأَمثِلَةٍ لِلْمَرافِقِ العامَّةِ.»

- (۱) سبعة (۲) أربعة (۳) خمسة (۴) بيّنة

۱۱۷- عَيِّنِ عِبارةً ما جَاءَ فِيها جَمعُ التَّكْسِيرِ:

- (۱) تَذهَبُ زَميلَتِي إِلى السُّوقِ لِشِراءِ البِضاعِ!
 (۲) تَوجَدُ عَلى رَصيفِ هَذَا الشَّارِعِ أَشجاراً طَويلاً!
 (۳) فِي الاصطِفافِ الصِّباحِيِّ وَفنا فِي أَحَدِ عَشَرَ صَفّاً
 (۴) هَذِهِ الأَنابِيبُ فِي مَخرنِ المُسْتوصَفِ لَوُئِها أَبيضُ!

۱۱۸- عَيِّنِ الْخَطَأَ عَنِ «اللُّوحَةِ»:

- (۱) تُمارِسُ الدروسَ عَلَيْها!
 (۲) نَكتابُ عَلَيْها أَخباراً عامَّةً!
 (۳) لا نَجدها إِلا كَبيِرةً وَ بِألوانٍ مُختلِفةٍ!
 (۴) نَرسِمُ عَلَيْها إِشاراتِ المَروِرِ وَ الصُّورِ الجَميلَةِ!

(انسانی ۹۹)



۱۱۹- ﴿ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِم أَلفَ سَنَةٍ إِلا خَمْسِينَ عاماً ﴾:

- (۱) وَ نوحَ بِه سَوى قومِ ما فرستاده شد وَ او نِهصد وَ پَنجاه سالِ در مِیانِ ما ماندگار شد!
 (۲) وَ قطعاً ما نوحَ را فرستادیم وَ او هزار وَ پَنجاه سالِ در مِیانِ قومش ماند!
 (۳) وَ نوحَ بِه سَوى قومش روانه شد وَ او هزار وَ پَنجاه سالِ در مِیانِ آن‌ها درنگ کرد!
 (۴) وَ بی‌گمانِ ما نوحَ را بِه سَوى قومش فرستادیم، پس او نِهصد وَ پَنجاه سالِ در مِیانِ آنانِ ماندگار شد!
 ۱۲۰- «فِي مَدْرَسَتِنَا حَفْلَةٌ فِي اليَومِ السابِعِ مِنْ هَذَا الشَّهْرِ سَيَشْتَرِكُ فِيها إِثنا عَشَرَ طالِباً مِنَ الصَّفِّ التَّاسِعِ!»:
 (۱) در مَدْرَسَةُ ما در روزِ هفتمِ این ماهِ جشنی است که در آن دوازده دانش‌آموز از کلاسِ نهم شرکت خواهند کرد!
 (۲) در هفتمین روزِ این ماهِ جشنی در مَدْرَسَةُ ما برگزار می‌شود که در آن دوازده دانش‌آموز از نُه کلاسِ شرکت می‌کنند!
 (۳) در مَدْرَسَةُ ما در روزِ هفتمِ از این ماهِ جشنی بود که در آن دوازده دانش‌آموز کلاسِ نهم شرکت کردند!
 (۴) در هفتمین روزِ از این ماهِ جشنی در مَدْرَسَةُ ما وجود دارد که در آن دوازده دانش‌آموز از نُه کلاسِ شرکت خواهند نمود!

۱۲۱- «فِي صَباحِ اليَومِ التَّالِيِ هِيَ سَكْرَتُ تَلْمِيذاتِها فِي الاصطِفافِ الصِّباحِيِّ لِإِهْتِمامِها بِالْمَرافِقِ العامَّةِ!»:

- (۱) در صَباحِ روزِ بَعدِ او در صَفِ صَبحگاهِ از شاگردانِ خود تشکر کرد تا به تأسِساتِ عَمومیِ اَهمیتِ دهند!
 (۲) صَباحِ روزِ بَعدِ او از شاگردانش در صَفِ صَبحگاهِ بِه خاطرِ تَوجَّهشانِ بِه تأسِساتِ عَمومیِ تشکر کرد!
 (۳) در صَباحِ بَعدِ از آن روزِ، از شاگردانش بِه خاطرِ اَهمیتِ دادنِ بِه هَمَةُ تأسِساتِ سِياسِ گزاریِ می‌کرد!
 (۴) در صَباحِ روزِ بَعدِ شاگردانش از او تشکر کردند بِه خاطرِ اَهمتِ او در صَفِ صَبحگاهیِ بِه تأسِساتِ عَمومیِ!

۱۲۲- «إِنَّ الطَّالِبَاتِ اللَّاتِي يَدْخُلْنَ مَكْتَبَةَ الْمَدْرَسَةِ يَحْفَظْنَ الْهُدُوءَ فِيهَا وَ يَقْمُنَ بِوَجَابَاتِهِنَّ كَمَوَاطِنَاتٍ يَشْعُرْنَ بِالْمَسْئُولِيَّةِ»:

- ۱) دانش‌آموزانی که وارد کتابخانه مدرسه شده و آرامش را رعایت می‌کنند، همان‌هایی هستند که به وظایف خود عمل می‌کنند، مانند شهروندانی که احساس مسئولیت دارند!
- ۲) آن دانش‌آموزانی که به کتابخانه مدرسه می‌روند تا آرامش را در آن حفظ کنند، به واجبات خود مانند هم‌وطنانی که احساس مسئولیت می‌کنند، عمل کرده‌اند!
- ۳) دانش‌آموزانی که وارد کتابخانه مدرسه می‌شوند، در آن آرامش را رعایت می‌کنند و همچون شهروندانی که احساس مسئولیت می‌کنند به تکالیف خود می‌پردازند!
- ۴) دانش‌آموزان به کتابخانه مدرسه وارد می‌شوند، سپس آرامش آن‌جا را رعایت می‌کنند و به تکالیف خود می‌پردازند، همچون هم‌وطنی که حس مسئولیت دارد!

۱۲۳- «قَامَ الْبَائِعُونَ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ بِبَيْعِ أَرْبَعِينَ نَوْعًا مِنَ الْبَضَائِعِ الْجَدِيدَةِ لِذَوَاتِ الْمِيَاهِ»:

- ۱) فروشندگان دو بار اقدام به فروش چهار نوع از کالاهای سرویس‌های بهداشتی جدید کردند!
- ۲) برای دومین بار فروشندگان، نوع چهارم کالاهای سرویس‌های بهداشتی را به فروش گذاشتند!
- ۳) فروشندگان برای بار دوم، اقدام به فروش چهار نوع از کالاهای نوین سرویس‌های بهداشتی نمودند!
- ۴) فروشندگان در بار دوم، چهارده نوع از کالاهای سرویس‌های بهداشتی جدید را فروختند!

۱۲۴- «يُمَارِسُ الثَّلَامِيذُ فِي الْأَصْطِفَافَاتِ الصَّبَاحِيَّةِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ حَرَكَةً رِبَاضِيَّةً لِلْحِفَاطِ عَلَى سَلَامَتِهِمْ»:

- ۱) دانش‌آموزانی که در صف صبحگاهی، دوازده حرکت ورزشی انجام دادند، سلامتی‌شان را حفظ کردند!
- ۲) دانش‌آموزان در صف‌های صبح، حرکت ورزشی دوازدهم را تمرین می‌کنند تا سلامتی‌شان را حفظ کنند!
- ۳) دانش‌آموز در صف‌های صبحگاهی بیست و دو حرکت ورزشی انجام می‌دهد تا سلامتی‌اش حفظ شود!
- ۴) دانش‌آموزان در صفوف صبحگاهی، برای حفظ سلامتی‌شان دوازده حرکت ورزشی انجام می‌دهند!

۱۲۵- «إِنَّ الْمَدَارِسَ وَ الْهُوَائِفَ الْعَامَّةَ وَ أَعِمَّةَ الْكَهْرَبَاءِ وَ ذَوَاتِ الْمِيَاهِ وَ الْمَتَاحِفَ كُلَّهَا مِنَ الْأَمَاكِينِ الَّتِي تُسَمَّى الْمَرَافِقَ الْعَامَّةَ»:

- ۱) مدرسه‌ها و تلفن‌های عمومی و ستون برق و سرویس بهداشتی و موزه‌ها همه از مکان‌های تأسیسات عمومی هستند!
- ۲) مدارس و تلفن‌های عمومی و ستون‌های برق و سرویس‌های بهداشتی و موزه‌ها همگی از مکان‌هایی هستند که تأسیسات عمومی نامیده می‌شوند!
- ۳) مدرسه‌ها و بانه‌های تلفن و ستون‌های مخابراتی و سرویس‌های بهداشتی و موزه‌ها همگی مکان‌هایی برای تأسیسات عمومی نامیده می‌شوند!
- ۴) مدرسه‌ها و تلفن‌های عمومی و ستون‌های برق و سرویس بهداشتی و موزه‌ها همگی مکان‌های تأسیسات عمومی نام‌گذاری شده‌اند!

۱۲۶- «يُنْقَلُ الْفَلَّاحُونَ إِلَى مَزَارِعِهِمُ الْمَاءَ بِالْأَنْبِيَبِ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثِينَ سَنَةً»:

- ۱) بیش از سی سال است که کشاورزان آب را با خطوط لوله‌کشی به مزرعه‌هایشان می‌برند!
- ۲) برای سی‌امین سال، کشاورزان آب را با لوله‌ها به مزارعشان منتقل کردند!
- ۳) بیش از سی سال است که کشاورزان آب را با لوله‌ها به مزرعه‌هایشان منتقل می‌کنند!
- ۴) کشاورزان بیش از سه سال پیش اقدام به انتقال آب با لوله‌ها به مزارعشان نمودند!

۱۲۷- «ظَنَنْتُ أَنَّ طَالِبَاتِ ذَلِكَ الصَّفِّ فِي حِصَّةِ تَقْوِيَةٍ أَوْ يُمَارِسْنَ نَشَاطًا حُرًّا»:

- ۱) گمان کردم که دانش‌آموزان آن کلاس، در زنگ تقویتی هستند یا فعالیتی آزاد انجام می‌دهند!
- ۲) تصور می‌کردم که دانش‌آموزان آن کلاس در زنگ تفریح‌اند یا فعالیت آزادانه را تمرین می‌کنند!
- ۳) گمان کردم که دانش‌آموزان این کلاس زنگ تقویتی یا فعالیت آزاد را تمرین می‌کنند!
- ۴) فکر کردم که دانش‌آموزان در آن کلاس در زنگ تقویتی هستند یا این‌که آن‌ها فعالیتی آزاد را انجام داده‌اند!

۱۲۸- «تَشَكَّلَ قَصْرُ آيَادَانَا لِـ «تَحْتِ جَمَشِيد» مِنْ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ عَمُوداً وَلَكِنْ قَدْ بَقِيَ الْآنَ أَرْبَعَةٌ عَشَرَ عَمُوداً مِنْهَا سَالِمَةٌ»:

- ۱) قصر آپادانای تخت جمشید از ۲۷ ستون تشکیل شده، اما اکنون ۱۴ ستون از آن سالم است!
- ۲) قصر آپادانای تخت جمشید از ۲۷ ستون تشکیل می‌شود که اکنون ۲۴ ستون از آن سالم مانده است!
- ۳) قصر آپادانای تخت جمشید از ۷۲ ستون تشکیل شده، اما اکنون ۱۴ ستون از آن سالم باقی مانده است!
- ۴) قصر آپادانا در تخت جمشید است که از ۷۲ قسمت تشکیل شده، اما ۴۱ قسمت از آن فقط سالم مانده است!

۱۲۹- «يُنتِجُ الْبَشَرُ فِي جَمِيعِ أَنْحَاءِ الْعَالَمِ حَوَالِي خَمْسِينَ مِليُونِ طُنٍّ مِنَ النِّفَايَاتِ الْإِلِكْتْرُونِيَّةِ وَ الْكِهْرِبَايِّيَّةِ سَنَوِيًّا»:

- ۱) بشر سالیانه حدود ۵۰ میلیون تن زباله‌های الکترونیکی و برقی در تمام قسمت‌های جهان تولید می‌کند!
- ۲) انسان هر سال در تمام بخش‌های جهان حدود ۱۵ تن زباله الکترونیکی و برقی تولید می‌کند!
- ۳) بشر سالیانه حدود ۵۰۰ میلیون تن زباله الکترونیکی و برقی در همه نقاط جهان به وجود می‌آورد!
- ۴) انسان هر ساله تولیدکننده ۵ میلیون تن زباله‌های الکترونیکی و روشنایی در تمام قسمت‌های جهان است!

۱۳۰- «قَلَّتْ سَاعَتَانِ اثْنَتَانِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُبَارِكِ مِنْ دَوَامِ الشَّرَكَاتِ الْحُكُومِيَّةِ!»:

- ۱) در ماه مبارک رمضان، ساعت دو، ساعت کاری شرکت‌های دولتی تمام می‌شود!
- ۲) در ماه مبارک رمضان، دو ساعت از زمان کار شرکت‌های دولتی کاسته می‌شود!
- ۳) در ماه مبارک رمضان دو ساعت از کار رسمی شرکت دولتی کم شد!
- ۴) در ماه مبارک رمضان دو ساعت از ساعت کاری شرکت‌های دولتی کاسته شد!

۱۳۱- «كَانَ صَدِيقِي يُحَافِظُ عَلَيَّ أَشْجَارَ الرَّصِيفِ وَ الْحَدَائِقِ الْعَامَّةِ لِأَنَّ الْحِفَافَ عَلَيْهَا وَاجِبٌ عَلَيَّ كُلِّ الْمَوَاطِنِينَ!»:

- ۱) دوستم از درختان پیاده‌روها محافظت می‌کرد، زیرا آن‌ها و پارک‌ها از اموالی هستند که محافظت از آن‌ها بر همه واجب است!
- ۲) دوست من از درختان پیاده‌رو و پارک‌ها مواظبت می‌کند، زیرا نگهداری از آن‌ها بر همه شهروندان واجب است!
- ۳) دوستم از درختان پیاده‌رو و پارک‌ها نگهداری می‌کند، زیرا نگهداری از آن‌ها بر هر شهروندی واجب است!
- ۴) دوست من از درختان پیاده‌رو و پارک‌ها محافظت می‌کرد، زیرا حفاظت از آن‌ها بر همه شهروندان واجب است!

(تهری ۹۸)

۱۳۲- «الاستفادة من الجَوَالِ ليست مسموحة في حصة الامتحان!»:

- ۱) استفاده از تلفن همراه در جلسه امتحان مجاز نیست!
- ۲) به کار بردن گوشی همراه در جلسات امتحان منعی ندارد!
- ۳) آوردن تلفن همراه در جلسه امتحانات مانعی ندارد!
- ۴) از گوشی همراه استفاده کردن در جلسه امتحان مجاز است!

(ریاضی ۹۶)

۱۳۳- «هناك كثير من الأشخاص يتحملون المشقات في حياتهم ليكتسبوا المعالي!»:

- ۱) آن‌جا بسیاریند کسانی که سختی‌های زندگی را متحمل می‌شوند تا بزرگی‌هایی برایشان به دست آید!
- ۲) این‌جا هستند افراد بسیاری که مشقات را در زندگی‌شان تحمل کرده، برتری‌ها را به دست می‌آورند!
- ۳) بسیاری از اشخاص هستند که مشقات را در زندگی‌شان تحمل کرده، برتری‌ها را کسب نموده‌اند!
- ۴) بسیاری از افراد هستند که در زندگی خود سختی‌ها را تحمل می‌کنند تا بزرگی‌ها را به دست آورند!

(ریاضی ۸۴)

۱۳۴- «هَيَّا الطَّلَابُ أَنْفُسَهُمْ لِامْتِحَانِ نَهَايَةِ السَّنَةِ وَ قَامُوا بِأَدَاءِ تَكَالِيفِهِمْ!»:

- ۱) دانشجویان، خویش را برای امتحانات پایان سال مهیا کرده بودند، لذا تکالیفی را انجام دادند!
- ۲) شاگردان برای مهیا کردن خویش، برای امتحان پایان سال، اقدام به انجام تکالیف خود کردند!
- ۳) دانش‌آموزان برای آماده شدن خود، به خاطر امتحانات پایان سال، به ادای تکالیف خود اقدام کردند!
- ۴) دانش‌آموزان خودشان را برای امتحان پایان سال آماده کردند و به انجام تکالیف خود پرداختند!

۱۳۵- عَيْنِ الْخَطَا:

- ۱) أَخْبَرُونَهَا لِطُفَيْفِ الْمَصَابِيحِ قَبْلَ الْخُرُوجِ مِنَ الْبَيْتِ: به او خبر دهید تا چراغ‌ها را قبل از خارج شدن از خانه خاموش کند!
- ۲) إِنْ نَشَعُرُ بِالمَسْئُولِيَّةِ، لَا نَقْطَعِ الأشْجَارَ فِي الْغَابَاتِ: اگر احساس مسئولیت کنیم، درختان را در جنگل‌ها نمی‌بریم!
- ۳) أَخَذْتُ الرَّجُلَ الْجَرِيحَ إِلَى الْمُسْتَوْصَفِ لِلْمُعَالَجَةِ: مرد زخمی را برای درمان به درمانگاه بردم!
- ۴) مَا أَجْمَلَ نِعْمَاتِ اللَّهِ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ: نعمت‌های خداوند در آسمان و زمین زیبا هستند!

۱۳۶- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) يَجِبُ عَلَى الْمَوَاطِنَاتِ أَنْ لَا يَرْمِينَ نُفَايَاتِهِنَّ فِي الشُّوَارِعِ وَ الْأَمَاكِينِ الْعَامَّةِ: شهروندان نباید زباله‌ها را در خیابان و مکان‌های عمومی بیندازند!
- ۲) جِئْتُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ إِلَى هُنَا لِلتَّسْبِيحِ لِأَنَّ هَؤُلَاءِ النَّاسِ مُضَيَّفُونَ: بارها برای گردش به این‌جا آمدم، چون مردمی مهمان‌نواز هستند!
- ۳) مَارَسُوا نَشَاطَاتٍ خَرَّأَ فِي صَفِّ آخَرَ بَعْدَ حِصَّةِ الْكِيمِيَاءِ: بعد از زنگ شیمی در کلاسی دیگر، یک فعالیت آزاد انجام دادند!
- ۴) اقْتَرَحْنَا عَلَى الْمُدِيرِ أَنْ يُعَيِّنَ لِلتَّلَامِيذِ وَاجِبَاتٍ لِلْحِفَافِ عَلَى الْمُرَافِقِ: به مدیر پیشنهاد دادم که برای دانش‌آموزان وظایف مراقبت از تأسیسات را تعیین کند!

۱۳۷- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) ذَهَبَتْ الْمُدِيرَةُ نَفْسُهَا لِإِطْفَاءِ الْمَصَابِيحِ وَ الْمُكَيِّفِ: مدیر خودش برای خاموش کردن چراغ و کولر رفت!
- ۲) ﴿وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ﴾: و بدانید که خداوند آن‌چه را در دل‌های شماست، می‌داند!
- ۳) الْهَاتِفُ آلَةٌ لِتَقْلِ الْأَصْوَاتِ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ: تلفن وسیله انتقال صدا از جایی به جاهای دیگر است!
- ۴) جَاءَ الْوَلَدِ بِالطَّعَامِ لِأَصْدِقَائِنَا فِي اللَّيْلِ: پدرم شب برای دوستانم غذا آورد!

(ریاضی ۹۶)

۱۳۸- عَيْنِ الْخَطَا:

- ۱) هذه اليد يحبها الله: این دست است و خداوند آن را دوست می‌دارد!
- ۲) هذه يد يحبها الله: این دستی است که خداوند آن را دوست می‌دارد!
- ۳) هؤلاء المكترمون لا يتكبرون على أولئك: این گرامیان بر آن‌ها تکبر نمی‌ورزند!
- ۴) هؤلاء مكترمون لأنهم لا يتكبرون على الآخرين: اینان گرامی هستند، چون بر دیگران تکبر نمی‌کنند!

- ۱) أولئك العقلاء يُبعدون أنفسهم عن كلِّ أمر باطل: آن عاقلان خود را از هر امر باطلی دور می کنند!
 - ۲) هؤلاء الطلاب سيُشاهدون ثمرة جدهم: این ها دانش آموزانی هستند که نتیجه سعی خود را خواهند دید!
 - ۳) أولئك الأنبياء تحمّلوا مشقة كثيرة لهداية الناس: آن ها پیامبرانی هستند که برای هدایت مردم، مشقت بسیاری تحمل کردند!
 - ۴) هؤلاء البنات كتبن رسائل لأبيهن حين كان في الجبهة: این دختران کسانی هستند که برای پدرشان وقتی در جبهه بود نامه نوشتند!
- ۱۴۰- «باید همگی در نگه داری از تأسیسات عمومی همکاری کنیم تا سال های زیادی از آن ها بهره ببریم!»:

- ۱) يَجِبُ عَلَى كُلِّ مِنَّا أَنْ نَحْفَظَ عَلَى الْمُرَافِقِ الْعَامَّةِ وَنَتَعَاوَنَ حَتَّى نَسْتَفِيدَ مِنْهَا سِنَوَاتٍ كَثِيرَةً!
- ۲) علينا أن نَحْفَظَ كُلُّنَا عَنِ الْمُرَافِقِ الْعَامَّةِ سِنَوَاتٍ كَثِيرَةً حَتَّى نَتَعَاوَنَ فِي الْإِنْتِفَاعِ بِهَا!
- ۳) يَجِبُ أَنْ نَتَعَاوَنَ جَمِيعاً فِي الْحِفَافِ عَلَى الْمُرَافِقِ الْعَامَّةِ حَتَّى نَنْتَفِعَ بِهَا سِنَوَاتٍ كَثِيرَةً!
- ۴) لا بُدَّ لَنَا أَنْ نَتَعَاوَنَ فِي حِفْظِ الْمُرَافِقِ الْعَامَّةِ وَنَسْتَفِيدَ مِنْهَا فِي السَّنَوَاتِ الْأَخِيرَةِ!

۱۴۱- «مدیر، دانش آموزان را نصیحت می کرد که زباله ها را در حیاط مدرسه پرتاب نکنند!»:

- ۱) يَنْصَحُ الْمَدِيرُ الطَّلَابَ بِأَنْ يَجْعَلُوا التُّفَايَاتِ فِي سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ!
- ۲) كانت المديرية تَنْصَحُ الطَّالِبَاتِ بِأَنْ لَا يَرْمِينَ التُّفَايَاتِ فِي سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ!
- ۳) كانت تَنْصَحُ المديرية الطَّالِبَاتِ بِأَنْ لَا يَجْعَلْنَ التُّفَايَاتِ فِي قَاعَةِ الْمَدْرَسَةِ!
- ۴) يَنْصَحُ المدير الطَّلَابَ بِأَنْ لَا يَرْمُوا التُّفَايَةَ فِي قَاعَةِ الْمَدْرَسَةِ!

۱۴۲- «یکی از دوستانم قطعه زمینی دارد که مساحت آن بیشتر از پنجاه هزار متر است!»:

- ۱) لأحدٍ مِنْ أَصْدِقَائِي بُقْعَةٌ مَسَاحَتُهَا أَكْثَرُ مِنْ خَمْسِينَ أَلْفَ مِتْرًا! ۲) يَمْتَلِكُ أَحَدُ أَصْدِقَائِي قِطْعَةً أَرْضٍ مَسَاحَتُهَا أَكْثَرُ مِنْ خَمْسَةِ أَلْفِ مِتْرًا!
- ۳) عِنْدَ أَحَدٍ مِنْ رُؤْمَائِي بُقْعَةٌ تَبْلُغُ مَسَاحَتَهَا خَمْسِينَ أَلْفَ كِيلُومِتْرًا! ۴) إِنَّ لِصَدِيقِي بَقَاعاً كَثِيرَةً مَسَاحَتُهَا خَمْسِينَ أَلْفَ مِتْرًا!

۱۴۳- «از خطاهای دیگران درس بگیر، زیرا عمر برای تو کافی نیست تا همه چیزها را آزمایش کنی!»:

- ۱) اِعتَبِرْ مِنْ أخطاءِ الْآخِرِينَ لِأَنَّ الْعَمْرَ لَا يَكْفِيكَ لِتَخْتَبِرَ كُلَّ الْأَشْيَاءِ!
- ۲) اِعْلَمْ خَطَأَ الْآخِرِينَ لِأَنَّ الْعَمْرَ لَيْسَ كَافِئاً لَكَ حَتَّى تُجَرِّبَ الْأخطاءَ كُلَّهَا!
- ۳) اِعتَبِرْ خَطَأَ السَّائِرِينَ لِأَنَّهُ مَا يَكْفِي لَكَ عَمْرُكَ لِاخْتِبَارِ نَفْسِكَ الْأخطاءَ كُلَّهَا!
- ۴) تَعَلَّمْ مِنْ أخطاءِ غَيْرِكَ لِأَنَّكَ مَا كَفَى بِكَ عَمراً حَتَّى تَمْتَحِنَ كُلَّ شَيْءٍ بِنَفْسِكَ!

۱۴۴- «صدای قلب انسان از زیباترین نغمات موسیقی در آفرینش هستی است!»:

- ۱) إِنَّ لِقَلْبِ الْإِنْسَانِ صَوْتاً مِنْ أَحْسَنِ نَغْمَاتِ لِلْمُوسِيقِيِّ فِي الْخَلْقَةِ الْعَالَمِيَّةِ!
- ۲) تَكُونُ لِقَلْبِ الْإِنْسَانِ صَوْتاً مِنْ أَحْسَنِ أَصْوَاتِ الْمُوسِيقِيَّةِ فِي خَلْقِ الْعَالَمِ!
- ۳) تَكُونُ أَصْوَاتِ قَلْبِ الْإِنْسَانِ مِنْ أَجْمَلِ أَلْحَانِ الْمُوسِيقِيَّةِ فِي عَالَمِ الْخَلْقَةِ!
- ۴) إِنَّ صَوْتَ قَلْبِ الْإِنْسَانِ مِنْ أَجْمَلِ نَغْمَاتِ الْمُوسِيقِيِّ فِي خَلْقَةِ الْعَالَمِ!

۱۴۵- «برای سومین بار به عهد خود وفا نکرد، و پس از دو ساعت دو سوم اموال خود را از دست داد!»:

- ۱) ما وَفَى بِعَهْدِهِ لِلْمَرَّةِ الثَّلَاثَةِ، فَضَيَعَ الثَّلَاثِي مِنْ مَالِهِ بَعْدَ سَاعَتَيْنِ! ۲) ما يَفِي بِعَهْدِهِ لِلْمَرَّةِ ثَلَاثَةً، وَفَاتَهُ بَعْدَ سَاعَتَيْنِ ثَلَاثَانَ مِنْ أَمْوَالِهِ!
- ۳) لَنْ يَفِي لِمَرَّةٍ ثَلَاثَةً بِتَعَهْدِهِ، وَفُقِدَ بَعْدَ سَاعَتَيْنِ ثَلَاثًا مِنْ أَمْوَالِهِ! ۴) ما وَفَى بِعَهْدِهِ لِلْمَرَّةِ الثَّلَاثَةِ، فَخَسِرَ ثَلَاثِي أَمْوَالِهِ بَعْدَ سَاعَتَيْنِ!



۱۴۶- ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾. عَيْنِ الْأَنْسَبِ فِي الْمَفْهُومِ:

- ۱) تو هرگز رسیدی به فریاد کس که می خواهی امروز فریادرس
- ۲) نپندارم ای در خزان کشته جو که گندم ستانی به وقت درو
- ۳) اگر بد کنی چشم نیکی مدار که هرگز نیارد گز، انگور بار
- ۴) چو نیکی کنی نیکی آید برت بدی را بدی باشد اندر خورت

۱۴۷- عَيْنِ الْمَفْهُومِ الصَّحِيحِ لِهَذِهِ الْعِبَارَةِ: «لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ!»:

- ۱) تا مرد سخن نگفته باشد / عیب و هنرش نهفته باشد ۲) چه گویم که ناگفتم بهتر است / زبان در دهان پاسبان سر است
- ۳) ﴿و اجعل لي لسان صدقٍ في الآخِرِينَ﴾ ۴) دو صد گفته چون نیم کردار نیست

النص الأول

• اقرأ النص التالي بدقة ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النص:

إنَّ في سلوك النحل (زنبور عسل) عجائب و نرى أنَّ العلماء يكتشفون كلَّ يوم المزيد منها! النحل يعيش في مكان سُمِّي بالخلية (كندو). عدد أفراد الخلية حوالي عشرة آلاف، وأكثرها عاملة تخدم الآخرين فيها. في كلَّ خلية ملكة واحدة و حوالي ألف ذكر يقومون بحراستها! قد تعيش الملكة الحدَّ الأعلى إلى خمس سنوات ولكنَّ العاملات لا تعمّر - إن وُلدت في فصل الشتاء - أكثر من خمسة أشهر، و - في فصل الصيف - حوالي خمسة أسابيع. تقوم العاملات بتغذية الذكور طولَ فصل الصيف ولكنَّها مع حلول الشتاء تقوم بطردها من الخلية لقلّة الغذاء فيها! إذا دخلت حشرة غريبة خلية النحل، فإنَّ العاملات تقتلها فوراً دون إنذار! ثمَّ تقوم برمي جثتها إلى الخارج، أما إذا كانت كبيرةً تُلقِي عليها مادةً لزجة تجمعها من أشجار خاصة. وقد تبين أخيراً أنَّ هذه المادة تمنع نموَّ الجراثيم (ميكروباها). فهذه هي بعض تلك العجائب التي ظهرت حتّى الآن للإنسان! (زبان ٩٧)

١٤٨- عَيِّن الخطأ:

- (١) لا نجد في الخلية أحداً لا يعمل غير الملكة!
 (٢) بعض أنواع الملكة قد يعيش أقل من خمس سنوات!
 (٣) ما كان الإنسان يعلم سبب عدم شيوع الجراثيم في البداية!
 (٤) تجمع العاملات من بيئة داخل الخلية مادةً لمواجهة الجراثيم!

١٤٩- عَيِّن الخطأ:

- (١) لا يحب النحل أن يعيش مع الغرباء!
 (٢) إذا لم يكن طعام فتطرد العاملات من الخلية!
 (٣) عدد العاملات في جميع خلايا النحل أكثر من البقية!
 (٤) بعض الأحيان لا ترمي الحشرة المقتولة إلى خارج الخلية!
 (١) فتموت بسرعة!
 (٢) تقتلها المادة اللزجة!
 (٣) فلا تخرج منها أبداً!
 (٤) تواجهها الملكة بشدة!

١٥١- عَيِّن الصحيح:

- (١) من واجب العاملات أن تخدم الذكور في جميع الأيام!
 (٢) الفصول لا تؤثر في مقدار حياة النحل فإنَّه أقوى من ذلك!
 (٣) هناك معلومات كاملة عن حياة النحل حصل عليها الإنسان قبل قرون!
 (٤) عمر التحلة العاملة إذا وُلدت في الأيام الحارة أقل من النحلة التي تولد في الأيام الباردة!

النص الثاني

•• اقرأ النص التالي بدقة ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النص:

سمع بهلول صوت الرجل الباكي يقول: أتيتُ إلى بغداد حاملاً كلَّ المال الذي جمعته في حياتي للتجارة، ثمَّ أعطيتُه عطاراً معروفاً بالأمانة ... فهم بهلول الموضوع، فقرروا أن يذهبوا إلى العطار غداً، و قال بهلول للرجل؛ ما عليك إلا أن تطالب أمانتك غداً! في اليوم التالي لبس بهلول ملابس جميلة و ذهب إلى العطار فسلم عليه و قال: سمعتُ عن فضائلك و أمانتك كثيراً، و أريد أن أسافر إلى مكان بعيد. ففتح الكيس الذي كان معه و ألقى بعض ما فيه من المجوهرات البديلة.

في نفس اللحظة وصل التاجر المسكين إلى دكان العطار و هو يقول له: أطلب استرداداً أمانتي! فردَّ العطار أمانته فوراً خوفاً من أن بهلول يفهم خيانه في الأمانة! حينئذٍ قدم بهلول كيسه إلى العطار و خرج! و بعد قليل حين فتح العطار الكيس وجدّه مملوءاً بالرجاج و الزمّل و بعض المجوهرات البديلة! (تهري ٩٧ - باكي تغيير)

١٥٢- «ما كان قصد بهلول!». عَيِّن الخطأ:

- (١) الدفاع عن المظلوم!
 (٢) إراءة أنَّ للحق دولة و لا يبقى الباطل!
 (٣) أن يوصل الحق إلى صاحبه!
 (٤) تعيين معيارٍ للتمييز بين الصادق و الكاذب!

١٥٣- «لماذا ردَّ العطار أمانة الرجل المسكين؟». عَيِّن الخطأ:

- (١) للحصول على مال أكثر!
 (٢) حتّى يُري نفسه أميناً مؤمناً!
 (٣) لأنَّه أمين ردَّ الأشياء إلى أصحابها!
 (٤) حتّى لا يندم بهلول من قصده!

١٥٤- عَيَّنِ الخَطَأَ:

- (١) من عادة بهلول أن يلبس دائماً ألبسة أنيقة!
(٢) لم يتكلم الرجل المسكين مع بهلول في حانوت العطار!
(٣) حين ذهب بهلول إلى دكان العطار كان يحمل كيساً واحداً!
(٤) كان العطار يحفظ أمانة الرجل المسكين في دكانه لا في مكان آخر!

١٥٥- عَيَّنِ ما لا يناسب مفهوم القصة:

- (١) لم تكن أرض الله خالية من الأخيار!
(٢) لا تعجل في عملك فَإِنَّ العجلة تضرك!
(٣) لا تياس؛ فَإِنَّ اليأس من أشد أعداء الإنسان!
(٤) ليس كلُّ من تكلم عن أمر بمعنى أنه يؤمن به!



١٥٦- «مِئَةٌ..... خَمْسَةٌ يُساوي عِشْرِينَ!». عَيَّنِ الصَّحِيحَ للفراغ:

- (١) في (٢) زائد (٣) ناقص (٤) تقسيم على

١٥٧- «في الاصطِفافِ الصِّبَاحِيِّ وَقَفْنَا فِي..... صُفُوفٍ!». عَيَّنِ المناسب للفراغ:

- (١) عَشْرَةٌ (٢) العاشِرَةُ (٣) ثَلَاثَةٌ عَشْرَ (٤) عِشْرِينَ

١٥٨- عَيَّنِ الصَّحِيحَ عن كتابة الأعداد:

- (١) (٧٩): تسعة و ستون (٢) (٨٦): ثمانون و ستّة (٣) (١٩): تسعة و عشر (٤) (٧٨): ثمانية و سبعون

١٥٩- عَيَّنِ الخَطَأَ عن العمليّات الحسابيّة:

- (١) سبعة و ثلاثون زائد ستّة و خمسين يساوي ثلاثة و تسعين!
(٢) أربعة و عشرون في ثلاثة يساوي اثنين و سبعين!
(٣) ثمانية و تسعون تقسيم على اثنين يساوي سبعة و أربعين!
(٤) سبعة و ستون ناقص واحد و ثلاثين يساوي ستّة و ثلاثين!
١٦٠- عَيَّنِ المناسب للفراغات: «إذا تدرس ساعاتٍ في كلِّ يوم، بعد يوماً تكون مستعدّاً للاشتراك في امتحانات!»
(١) خمس - أحد عشر - ثلاث (٢) خامسة - أحد عشر - ثلاث (٣) خمسة - أحد عشر - ثلاثة (٤) خمس - إحدى عشرة - ثلاثة
١٦١- عَيَّنِ الصَّحِيحَ للفراغ: «أصبحت هذه الرِياضيّة فائزة في عالميّة!»
(١) خمس مسابقات (٢) خمسة مسابقة (٣) أحد عشر مسابقات (٤) إحدى عشرة مسابقات

١٦٢- إنتخب الجواب الصَّحِيحَ لهذا السؤال: «كان في المزرعة خمسة عشر فلاحاً؛ ذهب ستّة منهم إلى منازلهم؛ كم فلاحاً في المزرعة الآن؟»

- (١) ثمانية (٢) تسعة (٣) سبع (٤) عشرة

١٦٣- عَيَّنِ الخَطَأَ للفراغات: «..... ناقص يساوي!»

- (١) خمسة و أربعون - أحد عشر - أربعة و ثلاثين
(٢) ثلاثة و تسعون - تسعة عشر - أربعة و سبعين
(٣) ثمانية و ستون - خمسة و عشرين - اثنين و أربعين
(٤) سبعة و خمسون - اثني عشر - خمسة و أربعين

١٦٤- عَيَّنِ العبارة التي جاءت فيها عددٌ أصليٌّ و ترتيبيّ بالترتيب:

- (١) في الصّفِّ الثَّالِثِ مِنَ المدرّسة الابتدائيّة، حصلتُ على خمسِ درجاتٍ جيّدةٍ!
(٢) فاز التّلاميذُ بثلاثِ جوائزٍ ذهبيّةٍ في المرحلةِ الثَّالِثَةِ!
(٣) في الصّفِّ الرابعِ مِنَ المدرّسة الابتدائيّة حصلتُ على المرتبةِ الخامسةِ!
(٤) في المرحلةِ الأولى، فاز التّلاميذُ بثلاثِ جوائزٍ ذهبيّةٍ!

١٦٥- أتي فراغٌ يناسب عدد «أربعة عشر»؟

- (١) في شارعنا بيوتٍ و واحدٌ منها فارغٌ!
(٢) لهذه البيوت نوافذ كبيرة!
(٣) أمام رصيف الشّارع حديقتان!
(٤) يلعبُ أكثرُ من طفلاً كلَّ يومٍ في هذه الساحة!

١٦٦- عَيَّنِ الخَطَأَ عن هذه العبارة: «لنوافذ مدرستنا ثلاثون زجاجةً، فانكسر خمس زجاجاتٍ في مسابقة كرة القدم.»

- (١) ما انكسرت خمسة و عشرون زجاجةً في مدرستنا!
(٢) عدد زجاجات المكتسرة في مدرستنا خمسة!
(٣) تسعون بالمائة من الزجاجات انكسرت في المسابقة تقريباً!
(٤) ما انكسر في المسابقة إلا خمس من الزجاجات!

١٦٧- عَيَّنِ الخَطَأَ للفراغِ حسب العمليّات الحسابيّة:

- (١) ستّة أحد عشر يساوي ستّة و ستين! (ضرب في)
(٢) تسعون عشرة يساوي ثمانين! (ناقص)
(٣) اثنان و خمسون اثنين يساوي ستّة و عشرين! (تقسيم على)
(٤) ثمانية و ستون خمسة يساوي أربعة و ستين! (ناقص)

١٦٨- عَيَّنِ العدد الأصلي:

- (١) قرأتُ الصفحةِ الرّابعةِ و الخمسينِ مِنَ المجلّةِ العلميّةِ!
(٢) التَّظَرُّ في ثلاثة أشياء عبادة و منها التَّظَرُّ في وجهِ الوالدين!
(٣) وُلِدْتُ في اليومِ الخامسِ عشرِ من شهر «مرداد» في الصيف!
(٤) موعِدُ الفطورِ مِنَ السابعةِ و التّصفِ حتّى التاسعةِ إلّا ربعاً في هذا الفندق!

١٦٩- عَيَّن الصَّحِيحَ لِلْفَرَاعِينَ: «أربعة عشر هو عددٌ و نصفُه يكونُ!»

(١) أصلي - سبعة (٢) ترتيبى - تسعة (٣) أصلي - تسعة (٤) ترتيبى - سبعة

١٧٠- عَيَّن الخَطَأَ (في العدد):

(١) تَحَرَّجَ سبعة طلاب من الجامعة في الشهر الماضي!
(٢) ذلك الغني ساعدَ الثاني عشرَ فقيراً في القرية!
(٣) هَجَمَ ثلاثون مقاتلاً على الأعداء في ساحة الحرب!
(٤) مَنَحَ ذلك التلميذُ وردةً واحدةً لمدْرسي!

١٧١- عَيَّن الصَّحِيحَ عن العددِ و المعدودِ:

(١) في مدينتنا خمسون و ثلاث مدرسة كبيرة!
(٢) سافرتُ إلى مشهدٍ مع أُسرتي لمدةِ أربعةِ يومٍ!
(٣) طلبتِ المديريةُ من اثنتيْنِ طالبتيْنِ إطفاءَ المصابيحِ!
(٤) في حصّةِ تقويةِ مارستُ رسمَ الطبيعةِ في إحدى عشرةِ صفحةً!

١٧٢- عَيَّن ما فيه من الأعداد التَّرتيبية:

(١) طلبتُ من أخي الصغير أن يقرأ واحداً من كتبه الدَّراسيةِ!
(٢) علينا أن نشترى القطعة الثالثة من هذه الأرض!
(٣) سافر أربعة سِتِّاح إلى إصفهان لزيارة معالمها الأثرية!
(٤) ما ذهبْتُ إلى المعملِ يومين اثنيْنِ؛ لأنِّي أُصبتُ بالزكام الشديد!

١٧٣- عَيَّن الصَّحِيحَ لِلْفَرَاعِ: «سألني المعلمُ أسئلةً و ما استَطَعْتُ أن أجيبَ على السؤالِ!»

(١) تاسع - ثلاثة (٢) تسعة - الثالث (٣) تابع - ثالث (٤) تسعة - ثلاثة

١٧٤- عَيَّن الخَطَأَ عن العدد:

(١) يبلغ عمر أبي خمسين سنةً هذا العام!
(٢) كان صديقي راقداً يومين اثنيْنِ في المستشفى!
(٣) قرأتُ في هذا الشهر أربعة كتب مفيدة!
(٤) تَحَرَّجَ عشرون و واحد طالباً من المدرسة في السنة الماضية!

١٧٥- عَيَّن ما ليس فيه من العقود:

(١) مئةٌ تقسيمٌ على خمسة يساوي عشرين!
(٢) تكون ساعات العمل للعمال في أسبوع واحدٍ أربعين ساعة!
(٣) إثنان و تسعون ناقص عشرة يساوي اثنيْنِ و ثمانين!
(٤) النملة تقدرُ على حمل شيءٍ يفوقُ وزنها خمسين مرّةً!

١٧٦- عَيَّن الصَّحِيحَ لِلْفَرَاعِ: «لهذه المرأة أولادٍ و عليُّ الولدُ!»

(١) ثالث - الاثنان (٢) أربعة - الخمس (٣) ستة - السبعة (٤) ثلاثة - الأول

١٧٧- عَيَّن الصَّحِيحَ في قواعد الأعداد:

(١) أنفقْتُ ممّا عندي إلى عشرين و سبعة فقيراً!
(٢) تحدّثنا مع خمسة عشر مهندسين في بلاد الصين!
(٣) اشترى تلميذ واحدٌ أفلام التلوين من البائع!
(٤) تعيش عشر أسرة في قرية جدتي!

١٧٨- عَيَّن الصَّحِيحَ عن المعدود:

(١) الغراب يعيش ثلاثين سنواتٍ أو أكثر!
(٢) بُنيت في مدرستنا خمسة صفوفٍ و مكتبة واحدة!
(٣) راجعتُ الكتاب ثلاث مرّة لفهمه العميق!
(٤) يتعلّم التلاميذ في المدرسة اثنتيْنِ لغتين!

١٧٩- عَيَّن ما يشتمل على العدد الترتيبى:

(١) دَعَوْنَا خمسينَ صيفاً للضيافةِ ولكن ما جاء عشرةٌ منهم!
(٢) ثلاثُ محافظاتٍ شماليةٍ من بلادنا تقعُ جنب بحرِ الخَزْر!
(٣) سمّى الإيرانيونَ اليومَ الثالثَ عشر من «فروردين» بيوم الطبيعة!
(٤) كُنَّا نَقِفُ في الاصطفاةِ الصَّباحيِّ في عشرينَ صفّاً!

١٨٠- عَيَّن العدد الأصلي:

(١) سمعتُ أنّ الوحدة خيرٌ من جليس السوء!
(٢) الشُّرطيّان وقفا في بداية الساحة الأولى!
(٣) من رأى منكم أحداً يدعو إلى التفرقة فهو عميل العدو!
(٤) هي تستطيع أن ترى في اتجاهين في وقت واحد؟

١٨١- عَيَّن العبارة التي جاء فيها العدد أكثر:

(١) لهذا الكتابِ ستةٌ و ثلاثون فصلاً و أنا قرأتُ الفصلَ الثالثَ منه!
(٢) كان سبعة تلاميذ ينتظرون في الساعة العاشرة صباحاً زيارة صديقين اثنيْنِ!
(٣) لفريق كرة القدم أحد عشر لاعباً و كلٌّ من اللاعبين له مسؤوليةٌ معيّنة!
(٤) اشتريتُ هذه الملابس النسائية من السوق بتسعين تومانا و لها أربعة ألوان!

١٨٢- عَيَّن الصَّحِيحَ عن العدد و المعدود:

(١) تُوجَد في هذه الحديقة اثنتان شجرتان من الفواكه الربيعية!
(٢) لهذا الكتابِ عشرةُ درسٍ و أنا قرأتُ منه خمسة درسٍ حتّى الآن!
(٣) مضى سبعة و ثمانون يوماً من السنة الجديدة!
(٤) في هذه المدينة واحدة و عشرون جامعةً يدرّس فيها الطلاب!



١٨٣- عَيَّن العدد ليس صفة:

- (١) أراجع اليوم الدرس الخامس بمساعدة زميلي الذكي!
(٣) قضيتُ مع أصدقائي ليلة واحدة في هذه القرية!

١٨٤- عَيَّن المعدود مضافاً إليه:

- (١) لا أنسى في أعمالِي اليوميَّة اثنتين: إطفاء المُكَيِّف و إغلاق حنفيَّة الماء!
(٢) لما بلغ الثلاثينَ من عمره أصبح معروفاً في العالم لتأليف كتبه!
(٣) هل تعلمينَ أنَّ الصَّينَ أوَّل دولةٍ في العالمِ استخدمت نقوداً ورقيةً؟!
(٤) أبي أشهرُ كاتبٍ لقصص الأطفال و في السنة العشرينَ من عمره كان عاملاً!

١٨٥- عَيَّن ما ليس فيه عددٌ مِنَ العقود:

- (١) يبعدُ البحرُ مسافة مائتي كيلومترٍ عن مدينتنا!
(٣) عدد المُرَافِقينَ خمسونَ من أقبائِي!

١٨٦- عَيَّن الخَطأَ عن العدد أو المعدود:

- (١) عددُ الأئمةِ من أهل البيتِ اثنا عشر أئمةً!
(٣) لكلِّ سنةٍ أربعة فصولٍ و لكلِّ فصلٍ ثلاثة شهورٍ!
(٤) بدأتُ قراءةً دروسي صباحاً و قرأتها مرتين اثنتين حتى فهمتها!

١٨٧- «قرأت الشاعرة للخضار ثمانية أبياتٍ من ديوانها الخامس!» عَيَّن الصَّحيح:

- (١) قرأت: فعلٌ ماضي - للمخاطبة
(٣) ثمانية: اسم - من الأعداد الترتيبية - مؤنث

١٨٨- عَيَّن الخَطأَ عن الكلمات المعينة حسب الترجمة:

- (١) خمسون المنة من العمالِ اعترضوا: پنجاه درصد
(٣) اشتريتُ بيروالاً بيسعِ ستين ألف تومان: شصت هزار

١٨٩- عَيَّن ما ليس فيه عددٌ غير ترتيبي:

- (١) سنةٌ واحدةٌ هي اثنا عشر شهراً!
(٣) حضر عشرة أشخاص في المسابقة!

١٩٠- عَيَّن الخطأ عن الكلمات المعينة: «هؤلاء الباحثون يقترحون اقتراحاتٍ جيِّدةً للمصانع!»

- (١) الباحثون: اسم على وزن «فاعل» - جمعٌ سالم للمذكر
(٣) اقتراحات: جمعٌ سالم مؤنث - مفردها على وزن «افتعال»

١٩١- في أيِّ عبارةٍ جاء العدد؟

- (١) لا تعبدوا من دون الله أحداً!
(٣) ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً و أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون﴾

١٩٢- عَيَّن الصَّحيح للفراغ: «نجح سعيدٌ في المسابقة و حصل على الجائزة الذهبية، فهو الفائز!»

(رياضي ٩٩)

- (١) الأحد (٢) الأول (٣) الواحد (٤) الأولى

١٩٣- عَيَّن الصَّحيح للفراغين: «ذهبتُ مع أحد عشر زميلاً من زملائي إلى المكتبة في الساعة السابعة صباحاً، رجع منّا زميلان اثنان ولكننا بقينا

(رياضي ٩٩)

خمس ساعات هناك. عند الرجوع كان عددنا أشخاص و كانت الساعة»

- (١) عشرة - ثاني عشر! (٢) تسعة - ثاني عشر! (٣) عشرة - الثانية عشرة! (٤) تسعة - الثانية عشرة!

١٩٤- عَيَّن الصَّحيح للفراغين: «ذهبتُ مع أُسرتي إلى سفرة يوم الأحد، طالت سفرتُننا ثلاثة أيام، رجعنا في الساعة السابعة صباحاً. كُنّا خمس

(تبري ٩٩)

ساعات في الطريق. فوصلنا في الساعة من يوم إلى بيتنا!»

- (١) الثاني عشر - الثلاثاء (٢) الثانية عشرة - الأربعاء (٣) الثاني عشر - الأربعاء (٤) الثانية عشرة - الاثنين

١٩٥- عَيَّن الصَّحيح للفراغين: «كان في فريقنا أحد عشر لاعباً، طال لعبنا مدة ساعتين. مضت عشرون دقيقة من اللّعب. جرح لاعبان اثنان منّا،

(هنر ٩٩)

واصل لاعبين المباراة لمدة دقيقة إلى نهاية اللّعب!»

- (١) سبعة - ساعة و أربعين (٢) تسعة - ساعتين و عشرين (٣) ستة - ساعتين إلا عشرين (٤) تسعة - ساعة و أربعين

(زبان ٩٩)

١٩٦- عَيَّن المناسب للفراغين: «أيام الأسبوع و اليوم الوسط منها!»

- (١) سبعة - اثنين (٢) سبعة - الثلاثاء (٣) سبعة - الإثنين (٤) سبعة - الثلاثاء

١٩٧- عَيِّن الصَّحِيح:

- (١) عشرون ريالاً في خمسة يساوي مائة ريال!
(٣) أحد عشر ريالاً زائد تسعة يساوي سبعة ريالاً!

(انسانی ٩٨)

- (٢) تسعون ريالاً ناقص عشرين يساوي ستين ريالاً!
(٤) ثمانون ريالاً تقسيم على عشرين يساوي أربعين ريالاً!

١٩٨- عَيِّن العدد غير ترتيبی:

- (١) حضرت في الموعد في الساعة الخامسة مساء!
(٣) طلبت من صديقي أن يُعطيني واحداً من كتبه الدَّرَاسِيَّة فقط!

(انسانی ٩٣)

- (٢) طالعنا اليوم في المدرسة الفصل الثالث من درسنا العاشر!
(٤) قال الفلاح لابنه: علينا أن نحصد القطعة الثانية من هذه الأرض!

١٩٩- عَيِّن الخطأ:

- (١) هناك نالثة كتب ما قرأتها حتى الآن!
(٣) حضرت الطالبة الرَّابِعة أيضاً في الصف!

(تبری ٩١)

- (٢) طالعت المقالة التَّامنة لهذا العالم!
(٤) خرج أحد عشر تلميذاً من المدرسة!

٢٠٠- عَيِّن العدد ليس أصلياً:

- (١) حَصَدَ فَلَاحانِ اثنانِ هذه المزرعة الكبيرة!
(٣) يَجِبُ عَلَيْنَا أن نكونَ في الموقِفِ في السَّاعةِ السَّابعة!

(انسانی ٨٩)

- (٢) نَزَلَ رَاكِبٌ واحدٌ مِنَ السَّيَّارةِ أمامَ بيتنا!
(٤) اجْتَمَعَتْ اثنتا عشرة قِطعةً حَوْلَ قطعةٍ مِنَ اللَّحْمِ!

٢٠١- عَيِّن الصَّحِيح:

- (١) سَيَّرَجُعُ والذي بعد الشَّهرِ الخمسة من السفر!
(٣) أُصِيبَ بِمَرَضٍ فَمَا ذَهَبَ إِلَى المَدْرسةِ سابعَ أَيَّام!

(هنر ٨٩)

- (٢) كتبت هذه المقالة في العام الثاني!
(٤) عملنا من الكتاب التمرين الثانية!

٢٠٢- «صَحَّحت في الصفحة في السَّطر الخطأ!» عَيِّن الصَّحِيح للفراغات:

- (١) الحادية عشرة - الخامس - العاشر
(٣) حادي عشر - الخمس - عشرة

(رياضی ٨٤)

- (٢) أحد عشر - الخمسة - العشر
(٤) حادية عشر - الثلاث - الاثنان

٢٠٣- «حَفِظْتُ دَرُوسِي فِي أَيَّامٍ وَ لِيَالٍ، فَأُصْبِحَتْ الرَّابِعةِ فِي الصَّفِّ!» عَيِّن الخطأ للفراغات:

- (١) سبعة - ثمانی - التَّاجِحة
(٢) أربعة - خمس - التَّلْمِيذة

(قارج از كُشور ٩٦)

- (٣) ثلاثة - أربع - الطالِبة
(٤) ثمانية - تسع - الطالب

٢٠٤- عَيِّن العدد صفة:

- (١) السنة الدَّرَاسِيَّة تتكوَّنُ من تسعة أشهر،
(٣) و نقرأ في الحصة الثالثة من السنة الأدب الفارسي،

(زبان ٨٤)

- (٢) و ثلاثة الشهور الأخرى تختص بالعطلة،
(٤) و للغة العربية اثنا عشر درساً نقرأها طول السنة!

٢٠٥- عَيِّن الخطأ:

- (١) شاهدتُ ثمانی معلِّماتٍ في المراسيم!
(٣) لِلصَّفِّ أربعة أبوابٍ وَ نافذتان!

(هنر ٨٢ - با کلمی تغییر)

- (٢) على المَكْتَبِ واحدٌ كتابٌ وَ اثنانِ قَلَمان!
(٤) لهذهِ الصَّفحةِ عشرةٌ سَطورٍ فَقَط!

٢٠٦- عَيِّن الصَّحِيح في ضبط حركات الحروف:

- (١) أُمِّي تَرَجِعُ فِي السَّاعةِ الثَّانِيَّةِ وَ النِّصْفِ!
(٣) عَلِيٌّ هُوَ الوَلَدُ الثَّانِي فِي أُسْرَتِهِ!

- (٢) ثمانونَ ناقِصَ عَشْرَةَ يساوي سبعين!
(٤) فِي صَفِّنا أَرْبَعَةٌ وَ حَمسونَ تَلْمِيذاً!

٢٠٧- عَيِّن الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (١) اِقْتَرَحَ التَّلْمِيذُ فِي حِصَّةِ اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ شيئاً وَ قَبِلَ المَدْرَسُ!
(٣) تَبَيَّأَ الكَهْرَباءُ فِي سِتِّ حُجْرَاتٍ مَقْطوعاً!

- (٢) المَرافِقُ العامَّةُ هِيَ الأَمَكانُ الَّتِي تَمْتَلِكُها الدَّولَةُ!
(٤) كَانَتْ تُدْرَسُ فِي الصَّفِّ السَّادِسِ فِي السَّنَةِ المَاضِيَةِ!

۱۰۷- گزینه ۲ ترجمه‌گزینه‌ها گزینۀ (۱): کلاغ، گنجشک، کبوتر /
گزینۀ (۲): زرافه، سگ، گناه / گزینۀ (۳): روستا، استان، شهر /
گزینۀ (۴): زائر، گردشگر، مسافر

۱۰۸- گزینه ۳ ترجمه‌گزینه‌ها گزینۀ (۱): گردشگر: کسی است که
به کشورهای دیگر مسافرت می‌کند. / گزینۀ (۲): مهمان‌دوست:
ویژگی‌ای است برای شخصی که مهمان را دوست دارد و به او احترام
می‌گذارد. / گزینۀ (۳): مورچه: حشره‌ای است که می‌تواند فقط
چیزی را که کوچک‌تر از خودش است، حمل کند. / گزینۀ (۴):
هم‌وطن: کسی است که با ما در یک کشور زندگی می‌کند.

۱۰۹- گزینه ۱ ترجمه‌عبارت «هرگاه معنای تأسیسات عمومی
را پس برای ما نمونه‌هایی از آن»
ترجمه‌گزینه‌ها گزینۀ (۱): فراموش کردید - حفظ کنید / گزینۀ (۲):
خواندی - بگو / گزینۀ (۳): فهمیدی - نام ببر / گزینۀ (۴): یاد
گرفتید - بنویسید

۱۱۰- گزینه ۲ ترجمه‌گزینه‌ها گزینۀ (۱): این دانش‌آموز بعد از پایان
..... مدرسه منتظر پدرش بود. ← ساعت کار / گزینۀ (۲):
این خوب است و می‌توانیم از آن در حل مشکلاتمان استفاده کنیم.
← نزدیک شدن / گزینۀ (۳): بازیکنان قبل از بازی، در ورزشگاه
فعالیتی انجام می‌دهند. ← آزاد / گزینۀ (۴): برنده، توپ
کوچکی را میان صف‌های تماشاچیان پرتاب کرد

۱۱۱- گزینه ۲ ترجمه‌گزینه‌ها گزینۀ (۱): انجام داد ≠ از دست داد /
گزینۀ (۲): دید = دید / گزینۀ (۳): پیشنهاد ≠ مخالفت / گزینۀ (۴):
زنگ = کلاس

۱۱۲- گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها در سایر گزینه‌ها به ترتیب «سأل ≠
أجاب»، «أشغل ≠ أطفأ» و «فقدت ≠ وجدت» متضاد هستند.
ترجمه‌گزینه‌ها گزینۀ (۱): معلم از دانش‌آموزی سؤال کرد، پس او فوراً
جوابش را داد. / گزینۀ (۲): کودک آتشی برافروخت، سپس ترسید و
آن را به سرعت خاموش کرد. / گزینۀ (۳): کیفم را گم کردم و آن را
بعد از دو روز پیدا کردم. / گزینۀ (۴): مردم از تأسیسات عمومی سود
می‌برند و از آن‌ها استفاده می‌کنند.

۱۱۳- گزینه ۴ جمع «عمود»، «أعمدة» است.

۱۱۴- گزینه ۱ ترجمه‌گزینه‌ها گزینۀ (۱): سمیه آن‌چه را که در اتاق
دیده بود به مادرش خبر داد. ← اتاق / گزینۀ (۲): آیا تو مانند یک
شهروند احساس مسئولیت می‌کنی؟ ← نیکی می‌کنی / گزینۀ (۳):
معلم گمان کرد کسی که نزدش آمده، محمّد است. ← کشید /
گزینۀ (۴): در سال گذشته برای بار اول به تهران آمدم. ← سالانه

۱۱۵- گزینه ۱ بررسی سایر گزینه‌ها در سایر گزینه‌ها به ترتیب
«العامل»، «إمام» و «المكان» مفرد کلمات مشخص شده هستند.

ترجمه‌گزینه‌ها گزینۀ (۱): برای خاموش کردن چراغ‌ها به اتاق‌های
مدرسه رفتم. / گزینۀ (۲): کارگران هفت ساعت در کارخانه کار
می‌کنند. / گزینۀ (۳): برای زیارت امام رضا علیه السلام هشتمین امامان
رفتم. / گزینۀ (۴): این مکان‌ها به نگه‌داری و محافظت نیاز دارند.

۱۰۴- گزینه ۲ ترجمه‌گزینه‌ها گزینۀ (۱): همسایگان، آن‌چه را که در
خیابان اتفاق افتاده بود، به ما خبر دادند. / گزینۀ (۲): آیا پدرت مالک
زمینی در روستا است؟ (آیا پدرت زمینی در روستا دارد؟) / گزینۀ (۳):
تأسیسات عمومی همان مکان‌هایی هستند که مردم از آن سود
می‌برند. / گزینۀ (۴): جنگل‌های این استان چه زیباست!

۱۰۵- گزینه ۴ ترجمه‌درست «برتری می‌یابد، برتر است»

۱۰۶- گزینه ۲ ترجمه‌عبارت «سمیه در زنگ علوم اجتماعی
برخاست و گفت: همه ما همیاری می‌کنیم.»

۱۱۶- **گزینه ۱** ترجمه عبارت «مدرسه‌ها و موزه‌ها و سرویس‌های بهداشتی و کتابخانه‌ها را به عنوان نمونه‌هایی از تأسیسات عمومی نام بردم.»

«مدارس»، «متاحف»، «میاه»، «أمثلة» و «مرافق» جمع مکسر و «دورات» و «مکتبات» جمع مؤنث سالم هستند.

۱۱۷- **گزینه ۳** بررسی سایر گزینه‌ها در سایر گزینه‌ها به ترتیب «البضائع»، «أشجار» و «الأنابيب» جمع مکسر هستند.

ترجمه گزینه‌ها: گزینه ۱: هم‌کلاسی من برای خرید کالاها به بازار می‌رود. / گزینه ۲: در پیاده‌رو این خیابان درختان بلندی وجود دارد. / گزینه ۳: در صف صبحگاه در یازده صف ایستادیم. / گزینه ۴: این لوله‌ها در انبار درمانگاه، رنگشان سفید است.

۱۱۸- **گزینه ۳** ترجمه گزینه‌ها: گزینه ۱: درس‌ها را روی آن تمرین می‌کنیم. (منظور همان تخته‌سیاه در کلاس است.) / گزینه ۲: خبرهایی عمومی را روی آن می‌نویسیم. (تابلوی اعلانات) / گزینه ۳: آن را فقط به شکل بزرگ و با رنگ‌های مختلف می‌بینیم. (اشتباه است، چون تابلوها به شکل کوچک هم وجود دارند.) / گزینه ۴: روی آن علائم عبور و مرور و شکل‌های زیبا می‌کشیم. (تابلوی راهنمایی رانندگی و تابلوی نقاشی)

۱۱۹- **گزینه ۴** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: آرسلنا: فرستادیم، فعل ماضی در صیغه متکلم مع‌الغیر است. (رد گزینه‌های ۱ و ۳) قومیه: قوم خود، قومی (رد گزینه ۱) / فیهم: در میان آنان (رد گزینه ۱) / ألف سنةٍ إلا خمسين عاماً: نهصد و پنجاه سال (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

۱۲۰- **گزینه ۱** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: مدرستنا: مدرسه ما (رد گزینه ۴) / سبشترک: شرکت خواهند کرد؛ آمدن «س» و «سوف» بر سر فعل مضارع، زمان آن را به مستقبل تبدیل می‌کند. (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / الضَّفَّ التاسع: کلاس نهم؛ «التاسع» عدد ترتیبی است. (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

۱۲۱- **گزینه ۲** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: اليوم التالي: روز بعد (رد گزینه ۳) / شکرث: تشکر کرد؛ «شکرث» ماضی ساده است. (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / الاصطفاف الصُّباحي: صف صبحگاه (رد گزینه ۳) / لاهتمامهنَّ: به خاطر توجهشان (رد سایر گزینه‌ها) / العامة: عمومی (رد گزینه ۳)

۱۲۲- **گزینه ۳** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: الطالبات اللَّاتي: دانش‌آموزانی که (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / يَدْخُلْنَ: وارد می‌شوند (رد گزینه ۲) / يَحْفَظْنَ: رعایت می‌کنند، حفظ می‌کنند (رد گزینه ۲) / فيها: در آن (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / يَقْمَنَ: می‌پردازند، اقدام می‌کنند (رد گزینه ۲) / يَشْعُرْنَ بالمسؤولية: احساس مسئولیت می‌کنند (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

۱۲۳- **گزینه ۳** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: قام به: اقدام کردند؛ با توجه به «البائعون» به صورت جمع ترجمه می‌شود. (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / للمرة الثانية: برای بار دوم (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / بيع أربعين نوعاً: فروش چهل نوع (رد سایر گزینه‌ها) / من البضائع الجديدة: از کالاهای جدید (رد سایر گزینه‌ها)

نکته فعل «قام» هرگاه به تنهایی بیاید، معنای «برخاستن» دارد، اما اگر به همراه حرف «ب» بیاید به معنای «اقدام کردن» است. مثال: قام التلاميذ من مكانهم: دانش‌آموزان از جایشان برخاستند. / قام البائعون ببيع البضائع: فروشندگان به فروختن کالاها اقدام کردند.

۱۲۴- **گزینه ۴** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: يمارسُن: انجام می‌دهند، تمرین می‌کنند (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / التلاميذ: دانش‌آموزان (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / اصطافات: صف‌ها؛ جمع است نه مفرد! (رد گزینه ۱) / الصُّباحية: صبحگاه، صبحگاهی (رد گزینه ۲) / ائنتي عشرة حركة: دوازده حرکت (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / ليجفاظ على سلامتهم: برای حفظ سلامتی‌شان؛ «حفاظ» مصدر است نه فعل، بنابراین باید به صورت اسم ترجمه شود. (رد سایر گزینه‌ها)

۱۲۵- **گزینه ۲** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: الهوائف العامة: تلفن‌های عمومی (رد گزینه ۳) / أعمدة الكهرباء: ستون‌های برق (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / دورات المياه: سرویس‌های بهداشتی (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / من الأماكن التي: از مکان‌هایی هستند که (رد سایر گزینه‌ها) / تُسمَى: نامیده می‌شوند (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

۱۲۶- **گزینه ۳** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: ينقل: منتقل می‌کنند؛ فعل مضارع است! (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / بالأنابيب: با لوله‌ها (رد گزینه ۱) / أكثر من: بیش از (رد گزینه ۲) / ثلاثين سنة: سی سال (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

۱۲۷- **گزینه ۱** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: ظننتُ: گمان کردم (رد گزینه ۲) / ذلك الصَّف: آن کلاس (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / حصّة تقوية: زنگ تقویتی (رد گزینه ۲) / يمارسُن: تمرین می‌کنند، انجام می‌دهند (رد گزینه ۴)

۱۲۸- **گزینه ۳** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: تشكَّل: تشکیل شد، تشکیل شده است؛ فعل ماضی است. (رد گزینه ۲) / اثنين و سبعين: هفتاد و دو (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / قد بقي: باقی مانده است (رد گزینه ۱) / الآن: اکنون، حالا (رد گزینه ۴) / أربعة عشر: چهارده (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

نکته قد + ماضی ← ماضی نقلی (قد بقي: باقی مانده است) ۱۲۹- **گزینه ۱** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: يُنتج: تولید می‌کند؛ فعل مضارع است. (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / خمسين مليون: پنجاه میلیون (رد سایر گزینه‌ها) / الثَّفايات: زباله‌ها (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / الكهربائبة: برقی (رد گزینه ۴)

۱۳۰- **گزینه ۴** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: قَلَّت: کم شد، کاسته شد (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / ساعتان اثنتان: دو ساعت (رد گزینه ۱) / دوام: ساعت کاری (رد گزینه ۳)

۱۳۱- **گزینه ۴** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: كان ... يحافظ: نگاه‌داری می‌کرد (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / الرِّصيف: پیاده‌رو؛ مفرد است نه جمع. (رد گزینه ۱) / الحدائق العامة: پارک‌ها (رد گزینه ۱)؛ زیرا در جای مناسبش ترجمه نشده است. / كلِّ المواطنين: همه شهروندان (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

نکته كان + مضارع ← ماضی استمراری ۱۳۲- **گزینه ۱** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: الاستفادة من: استفاده، استفاده کردن (رد گزینه ۳) / ليست مسموحة: مجاز نیست (رد سایر گزینه‌ها) / حصّة: زنگ، جلسه؛ مفرد است. (رد گزینه ۲) / الامتحان: امتحان؛ مفرد است نه جمع. (رد گزینه ۳)

۱۳۳- **گزینه ۴** بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها: هناك: هستند، وجود دارند (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / كثير من الأشخاص: بسیاری از افراد (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / يتحلقون: تحمّل می‌کنند (رد گزینه ۳) /



المشقات في حياتهم: سختی‌ها را در زندگی خود (رد گزینه ۱) / لیکتسبوا: تا به دست آورند (رد سایر گزینه‌ها) / المعالي: بزرگی‌ها (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

نکته «هناک» در ابتدای جملات اسمیه، به معنای «وجود دارد» است؛ در چنین مواردی از ترجمه این کلمه به «آن‌جا» پرهیز می‌کنیم. **نکته** هرگاه حرف «ل» به ابتدای فعل مضارع افزوده شود معنای مضارع را به مضارع التزامی تبدیل می‌کند.

۱۳۴- **گزینه ۴** **بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها** هیأاً آماده کردند؛ فعل ماضی است. (رد سایر گزینه‌ها) / امتحان: امتحان (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / بأداء تکالیفهم: به انجام تکالیفشان (رد گزینه ۱)

۱۳۵- **گزینه ۴** **ترجمه درست** «نعمت‌های خداوند در آسمان‌ها و زمین چه زیبا هستند!»

۱۳۶- **گزینه ۳** **ترجمه درست سایر گزینه‌ها** گزینه (۱): شهروندان نباید زباله‌هایشان را در خیابان‌ها و مکان‌های عمومی بیندازند. / گزینه (۲): بارها برای گردش به این‌جا آمد؛ زیرا این مردم مهمان‌دوست (مهمان‌نواز) هستند. / گزینه (۴): به مدیر پیشنهاد دادیم که برای دانش‌آموزان وظایفی را برای مراقبت از تأسیسات تعیین کند.

۱۳۷- **گزینه ۲** **ترجمه درست سایر گزینه‌ها** گزینه (۱): مدیر خودش برای خاموش کردن چراغ‌ها و کولر رفت. / گزینه (۳): تلفن وسیله‌ای برای انتقال صداها از جایی به جایی دیگر است. / گزینه (۴): پدرم شب برای دوستانمان غذا آورد.

۱۳۸- **گزینه ۱** «هذه الید» یک ترکیب ناقص است و نباید به صورت جمله ترجمه شود.

ترجمه درست: «این دست را خدا دوست می‌دارد.»

۱۳۹- **گزینه ۱** **ترجمه درست سایر گزینه‌ها** گزینه (۲): این دانش‌آموزان نتیجه سعی خود را خواهند دید. / گزینه (۳): آن پیامبران برای هدایت مردم، رنج بسیاری تحمل کردند. / گزینه (۴): این دختران، برای پدر، وقتی که در جبهه بود، نامه‌هایی نوشتند.

۱۴۰- **گزینه ۳** **بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها** همکاری کنیم: أن نَتَعَاوَنَ (رد گزینه‌های ۱ و ۲) در این دو گزینه، این فعل در جای مناسب خود ترجمه نشده است. / همگی: جمعاً، کلناً (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / نگه‌داری: حفاظ، حفظ (رد گزینه‌های ۱ و ۲) تا ... بهره ببریم: حتی ننتفع (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / سال‌های زیادی: سنواتٍ کثیرة (رد گزینه‌های ۲ و ۴) این عبارت در گزینه ۲ در جای مناسب ترجمه نشده است.

نکته آمدن برخی از حروف مانند «أن»، «حتى» و ... در ابتدای فعل مضارع، علاوه بر ایجاد تغییراتی در آخر فعل، باعث می‌شود معنایش به «مضارع التزامی» تبدیل شود.

۱۴۱- **گزینه ۲** **بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها** نصیحت می‌کرد: کان ینصح، کانث تنصح؛ «کان + مضارع ← ماضی استمراری» (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / زباله‌ها: التُّفَایات؛ جمع است. (رد گزینه ۴) / حیاط: ساحة (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / که پرتاب نکنند: أن لا یرمین، أن لا یرموا؛ فعل مضارع منفی است. (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / حیاط: ساحة (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

۱۴۲- **گزینه ۱** **بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها** یکی از: أَحَدٍ من (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / دوستانم: أصدیقائی، زُمَلائِی (رد گزینه ۴) / قطعه زمینی: بُقعة، قطعة أرض (رد گزینه ۴) / مساحت آن: مساحتها (رد گزینه ۳) / بیشتر از: أَكثَرُ من (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / پنجاه هزار متر: خمسين ألف متر (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

۱۴۳- **گزینه ۱** **بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها** خطاها: أخطاء (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / درس بگیر (عبرت بگیر): اِعتَبِر (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / زیرا عمر: لِأَنَّ العَمرَ (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / همه چیزها: کُلُّ الأَشیاء (رد سایر گزینه‌ها) / تا ... آزمایش کنی: حَتَّى تَختَبِرَ، لِتَختَبِرَ، لِتَمْتَحِنَ (رد گزینه ۳)

نکته «تا ... آزمایش کنی» مضارع التزامی است و برای ساختن چنین فعلی قبل از فعل مضارع، یکی از حروف «حتى»، «ل» یا «لِکَی» را می‌آوریم.

۱۴۴- **گزینه ۴** **بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها** صدای قلب انسان: صوت قلب الإنسان (رد سایر گزینه‌ها) / زیباترین: أَجْمَل (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / نعمات موسیقی: نِعْمات الموسیقی (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / آفرینش هستی: خَلقَة العالَم (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

۱۴۵- **گزینه ۴** **بررسی موارد کلیدی در گزینه‌ها** برای سومین بار: لِلْمَرَّةِ الثالثة؛ ترکیب وصفی است؛ بنابراین صفت باید با موصوف هماهنگی داشته باشد. (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / وفا نکرد: ما وَفَى؛ ماضی منفی به صورت «ما + ماضی» ساخته می‌شود. (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / اموال: أموال (رد گزینه ۱) / از دست داد: خَیِرَ، فَقَدَ (رد سایر گزینه‌ها)

۱۴۶- **گزینه ۴** **ترجمه عبارت** «هر کس کار نیک بیاورد پس ده برابر آن [پاداش] دارد.»

۱۴۷- **گزینه ۴** **ترجمه عبارت** «هیچ خیری در سخنی نیست مگر [این‌که] با عمل [همراه باشد].»

متن اول

به راستی در کردار زنبور عسل شگفتی‌هایی وجود دارد و می‌بینیم که دانشمندان هر روز مقدار زیادی از آن را کشف می‌کنند. زنبور عسل در جایی که کندو نام دارد، زندگی می‌کند. تعداد افراد کندو حدود ده هزار ازنبورا است و بیشتر آن‌ها کارگر هستند که در آن به دیگران خدمت می‌کنند. در هر کندو یک ملکه و حدود هزار ازنبورا نر وجود دارد که به نگهبانی از او مشغول هستند.

گاهی ملکه حداکثر تا پنج سال زندگی می‌کند. ولی کارگران - اگر در فصل زمستان متولد شوند - بیش از پنج ماه عمر نمی‌کنند و - در فصل تابستان - نزدیک پنج هفته. کارگران در طول فصل تابستان به تغذیه زنبورهای نر می‌پردازند ولی آن‌ها با فرارسیدن زمستان به خاطر کم‌بودن غذا در کندو آن‌ها را از آن بیرون می‌کنند. اگر حشره بیگانه‌ای وارد کندوی زنبور عسل شود، کارگران بدون اخطار فوراً او را می‌کشند سپس جسدش را به بیرون می‌اندازند.

متن دوم

بهلول صدای مرد گریبان را شنید که می‌گفت: به بغداد آمدم در حالی که همه ثروتی را که در زندگی‌ام برای تجارت جمع کرده بودم، به همراه داشتم. سپس آن را به عطاری که به امانتداری مشهور است، دادم ... بهلول به موضوع پی برد، پس قرار گذاشتند که فردا نزد عطار بروند و بهلول به مرد گفت: تو فردا باید فقط امانت را طلب کنی! در روز بعد بهلول لباس‌های شیکی پوشید و به سوی عطار رفت. پس به او سلام کرد و گفت: از خوبی‌ها و امانتداری‌ات بسیار شنیده‌ام و می‌خواهم به جای دوری سفر کنم. آن‌گاه کیسه‌ای را که همراهش بود، باز کرد و مقداری از جواهرات بدلی را که در آن بود، بیرون ریخت. در همان لحظه تاجر بیچاره به دکان عطار رسید در حالی که به او می‌گفت: می‌خواهم امانت را پس بگیرم؛ پس عطار از ترس این‌که بهلول به خیانت او در امانتداری پی ببرد، امانت او را فوراً بازگرداند. در این هنگام، بهلول کیسه‌اش را به عطار داد و خارج شد و پس از اندکی هنگامی که عطار کیسه را باز کرد، آن را پر از شیشه و شن و مقداری جواهرات بدلی یافت.

۱۵۲- **گزینه ۴** ترجمه عبارت «هدف بهلول چه بود؟»

ترجمه‌گزینه‌ها / گزینه (۱): دفاع از مظلوم / گزینه (۲): نشان دادن این‌که حق، فرمانروایی و باطل نمایشی [زودگذر] دارد. / گزینه (۳): که حق را به صاحبش برساند! / گزینه (۴): معین کردن معیاری برای تشخیص بین راستگو و دروغگو!

نصیح در متن عبارتی که بر گزینه (۴) دلالت کند، وجود ندارد.

۱۵۳- **گزینه ۳** ترجمه عبارت «چرا عطار امانت مرد بیچاره را برگرداند؟»

ترجمه‌گزینه‌ها / گزینه (۱): برای دستیابی به مال بیشتر! / گزینه (۲): تا خودش را امانتداری مؤمن نشان بدهد. / گزینه (۳): برای این‌که او [فرد] امینی بود که اشیاء را به صاحبانش برمی‌گرداند. / گزینه (۴): تا بهلول از نیتش پشیمان نشود. / **نصیح** عطار با دیدن کیسه جواهرات بهلول، طمع کرد و برای این‌که اعتماد بهلول را جلب کند، امانت آن مرد را پس داد؛ عبارت گزینه (۳) با عملکرد مرد عطار همخوانی ندارد.

۱۵۴- **گزینه ۱** ترجمه‌گزینه‌ها / گزینه (۱): از عادت [های] بهلول بود که همیشه لباس‌هایی شیک بپوشد. / گزینه (۲): مرد بیچاره در مغازه عطار با بهلول حرف نزد. / گزینه (۳): هنگامی که بهلول به مغازه عطار رفت، یک کیسه را [با خود] می‌برد. / گزینه (۴): عطار امانت مرد بیچاره را در مغازه‌اش نگاه‌داری می‌کرد نه در جایی دیگر. **نصیح** بهلول فقط در آن روز، لباسی شیک و زیبا پوشید تا عطار باور کند که او بسیار ثروتمند است؛ بنابراین لباس شیک پوشیدن، عادت همیشگی بهلول نبود.

۱۵۵- **گزینه ۲** ترجمه سوال: «آن چه را که با مفهوم داستان تناسب ندارد، مشخص کن.»

اما اگر بزرگ باشد، روی او ماده چسبناکی که آن را از درختان مخصوصی جمع‌آوری می‌کنند می‌اندازند و به تازگی مشخص شده است که این ماده از رشد میکروب‌ها جلوگیری می‌کند. و این بعضی از همان شگفتی‌هایی است که تاکنون برای انسان آشکار شده است.

۱۴۸- **گزینه ۴** ترجمه‌گزینه‌ها / گزینه (۱): در کندو غیر از ملکه کسی را نمی‌یابیم که کار نکند. / گزینه (۲): بعضی از انواع ملکه گاهی کم‌تر از پنج سال زندگی می‌کنند. / گزینه (۳): انسان در ابتدا علت عدم گسترش میکروب‌ها را نمی‌دانست. / گزینه (۴): کارگران از محیط داخل کندو ماده‌ای را برای مواجهه با میکروب‌ها جمع‌آوری می‌کنند. **نصیح** با توجه به عبارت «تَجْمَعُهَا مِنْ أَشْجَارٍ خَاصَّةٍ»، کارگران این ماده را بیرون از کندو و از درختان خاصی جمع‌آوری می‌کنند.

۱۴۹- **گزینه ۲** ترجمه‌گزینه‌ها / گزینه (۱): زنبور عسل دوست ندارد با بیگانگان زندگی کند. / گزینه (۲): اگر غذایی نباشد، کارگران از کندو بیرون انداخته می‌شوند. / گزینه (۳): تعداد کارگران در همه کندوهای زنبور عسل بیشتر از بقیه است. / گزینه (۴): گاهی اوقات حشره کشته‌شده به خارج از کندو انداخته نمی‌شود.

نصیح در متن آمده است که «... تَقَوْمٌ بطردها مِنَ الْخَلِيَّةِ لِقَلْبَةِ الْغِذَاءِ فَيَهَيَّا»، ولی در گزینه (۲) به اشتباه گفته شده که «اگر غذایی نباشد ...».

۱۵۰- **گزینه ۳** ترجمه عبارت «اگر غریبه‌ای وارد کندو شود، ...». **ترجمه‌گزینه‌ها** / گزینه (۱): به سرعت می‌میرد. / گزینه (۲): ماده چسبناک، او را می‌کشد. / گزینه (۳): از آن هرگز بیرون نمی‌آید. / گزینه (۴): ملکه به شدت با او برخورد می‌کند.

نصیح در متن گفته شده که اگر غریبه‌ای وارد کندو شود، فوراً او را «می‌کشند» و جسدش را به بیرون می‌اندازند؛ بنابراین آن حشره دیگر خودش از کندو بیرون نمی‌آید بلکه جسدش به بیرون انداخته می‌شود؛ پس گزینه (۳) صحیح است. اما غلط بودن گزینه (۱) به این دلیل است که غریبه‌ای که وارد کندو می‌شود، خودش «نمی‌میرد» بلکه توسط زنبورها «کشته می‌شود».

۱۵۱- **گزینه ۴** ترجمه‌گزینه‌ها / گزینه (۱): از وظیفه [های] کارگران این است که هم‌روزه به زنبورهای نر خدمت کنند [کارگران فقط در تابستان به زنبورهای نر خدمت می‌کنند]. / گزینه (۲): فصل‌ها در مقدار زندگی زنبور عسل تأثیر نمی‌گذارند، زیرا او قوی‌تر از آن است. (براساس متن مقدار عمر زنبورهای کارگری که در فصل زمستان متولد می‌شوند، با زنبورهایی که در فصل تابستان به دنیا می‌آیند، فرق دارد.) / گزینه (۳): اطلاعات کاملی درباره زندگی زنبور عسل وجود دارد که انسان قرن‌ها پیش به آن‌ها دست یافته است. (با توجه به عبارت انتهای متن: «فهذه هي بعض تلك العجائب التي ظهرت حتى الآن للإنسان»، این گزینه درست نیست.) / گزینه (۴): عمر زنبور کارگر اگر در روزهای گرم متولد شود، کم‌تر از زنبوری است که در روزهای سرد متولد می‌شود. (در متن گفته شده است که زنبورهای کارگری که در فصل زمستان متولد می‌شوند، حدود پنج ماه و زنبورهایی که در فصل تابستان به دنیا می‌آیند، حدود پنج هفته زندگی می‌کنند؛ پس این گزینه درست است.)

گزینه (۳): برای فهم عمیق کتاب سه بار به آن مراجعه کردم. /
 گزینه (۴): دانش‌آموزان در مدرسه دو زبان یاد می‌گیرند.
۱۷۹- گزینه ۳ «الثالث عشر» (سیزدهم) عدد ترتیبی است.
 بررسی سایر گزینه‌ها در سایر گزینه‌ها به ترتیب «خمسین» و «عشرین» اعداد عقود و «عشرة» و «ثلاث» از اعداد اصلی هستند.
 ترجمه گزینه‌ها / گزینه (۱): پنجاه مهمان برای مهمانی دعوت کردیم، ولی ده نفر از آن‌ها نیامدند. / گزینه (۲): سه استان شمالی از کشور ما کنار دریای خزر قرار دارد. / گزینه (۳): ایرانیان روز سیزدهم «فروردین» را روز طبیعت نامیدند. / گزینه (۴): در صف صبحگاهی در بیست صف می‌ایستادیم.
۱۸۰- گزینه ۴ «واحد» از اعداد اصلی است.
 بررسی سایر گزینه‌ها در گزینه‌های (۱) و (۳) عددی وجود ندارد و در گزینه (۲) «الأولی» از اعداد ترتیبی است.
 ترجمه گزینه‌ها / گزینه (۱): شنیده‌ام که تنهایی بهتر از همنشین بد است. / گزینه (۲): دو پلیس در ابتدای میدان اول ایستادند. / گزینه (۳): هر کس از شما کسی را دید که به تفرقه دعوت می‌کرد، پس او مزدور دشمن است. / گزینه (۴): او می‌تواند دو جهت را در یک زمان ببیند.
۱۸۱- گزینه ۲ اعداد این گزینه عبارت‌اند از: «سبعة»، «العاشرة» و «اثنین». بررسی سایر گزینه‌ها «سته و ثلاثون»، «الثالث»، «أحد عشر»، «تسعین» و «أربعة» به ترتیب، در گزینه‌های دیگر عدد هستند.
 ترجمه گزینه‌ها / گزینه (۱): این کتاب سی و شش فصل دارد و من فصل سوم آن را خواندم. / گزینه (۲): هفت دانش‌آموز در ساعت ده صبح منتظر دیدار دو دوست می‌ماندند. / گزینه (۳): تیم فوتبال یازده بازیکن دارد و هر یک از بازیکنان مسئولیت معینی دارند. / گزینه (۴): این لباس‌های زنانه را از بازار نود تومان خریدم و چهار رنگ دارند.
۱۸۲- گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها / گزینه (۱): معدود عدد «اثنان» باید قبل از عدد قرار گیرد؛ شکل صحیح آن «شجرتان اثنان» است. / گزینه (۲): معدود عدد «عشرة» و «خمسة» باید جمع باشد؛ یعنی باید به صورت «دروس» به کار رود. / گزینه (۳): معدود عدد «سبعة و ثمانون» به صورت مفرد به کار می‌رود؛ یعنی «أیاماً» باید به صورت «یوماً» بیاید.
 ترجمه گزینه‌ها / گزینه (۱): در این باغ دو درخت از میوه‌های بهاری وجود دارد. / گزینه (۲): این کتاب ده درس دارد و من تاکنون پنج درس از آن را خوانده‌ام. / گزینه (۳): هشتاد و هفت روز از سال جدید گذشت. / گزینه (۴): در این شهر، بیست و یک دانشگاه هست که دانشجویان در آن‌ها درس می‌خوانند.
۱۸۳- گزینه ۲ نکته اعداد «یک» و «دو» و اعداد ترتیبی که بعد از معدود خود می‌آیند نقش صفت را دارند.
 بررسی سایر گزینه‌ها در سایر گزینه‌ها به ترتیب، «الخامس»، «واحدة» و «الثانی» صفت هستند.
 ترجمه گزینه‌ها / گزینه (۱): امروز درس پنجم را با کمک هم‌کلاسی‌هایم باهوشم مرور می‌کنم. / گزینه (۲): دو ماه قبل برای زیارت امام رضا، هشتمین امام‌مان به مشهد رفتم. / گزینه (۳): با دوستانم یک شب را در این روستا سپری کردم. / گزینه (۴): برادر کوچکم را بعد از دو ساعت در خیابان دوم پیدا کردم.

گزینه (۲): با خانواده‌ام به مدت چهار روز به مشهد سفر کردم. / گزینه (۳): مدیر از دو دانش‌آموز خواست چراغ‌ها را خاموش کنند. / گزینه (۴): در زنگ تقویتی، نقاشی طبیعت را در یازده صفحه انجام دادم.
۱۷۲- گزینه ۲ «الثالثة» از اعداد ترتیبی است.
 بررسی سایر گزینه‌ها در سایر گزینه‌ها به ترتیب «واحداً»، «أربعة» و «اثنین» از اعداد اصلی هستند.
 ترجمه گزینه‌ها / گزینه (۱): برادر کوچکم خواستم که یکی از کتاب‌های درسی‌اش را بخواند. / گزینه (۲): ما باید قطعه سوم از این زمین را بخریم. / گزینه (۳): چهار گردشگر به اصفهان برای دیدن آثار باستانی‌اش سفر کردند. / گزینه (۴): دو روز به کارگاه رفتیم؛ زیرا به سرما خوردگی شدید مبتلا شدم.
۱۷۳- گزینه ۲ ترجمه عبارت «معلم از من نه سؤال پرسید و نتوانستم به سؤال سوم جواب بدهم».
۱۷۴- گزینه ۴ در این گزینه، عدد «عشرون و واحد» جزء اعداد معطوف است و باید به صورت «واحد و عشرون» بیاید.
 ترجمه گزینه‌ها / گزینه (۱): عمر پدرم امسال به پنجاه سال می‌رسد. / گزینه (۲): دوستانم دو روز در بیمارستان بستری بود. / گزینه (۳): در این ماه، چهار کتاب مفید را خواندم. / گزینه (۴): در سال گذشته بیست و یک دانش‌آموز از مدرسه فارغ‌التحصیل شدند.
۱۷۵- گزینه ۳ «اثنان و تسعون» و «اثنین و ثمانین» از اعداد معطوف هستند.
 بررسی سایر گزینه‌ها در سایر گزینه‌ها به ترتیب «عشرین»، «أربعین» و «خمسین» از اعداد عقود هستند.
 ترجمه گزینه‌ها / گزینه (۱): صد تقسیم بر پنج مساوی با بیست است. / گزینه (۲): ساعات کار کارگران در یک هفته چهل ساعت است. / گزینه (۳): نود و دو منهای ده مساوی با هشتاد و دو است. / گزینه (۴): مورچه می‌تواند چیزی را که پنجاه برابر وزن خود است، حمل کند.
۱۷۶- گزینه ۴ ترجمه عبارت «این زن سه فرزند دارد و علی فرزند اول است».
۱۷۷- گزینه ۳ بررسی سایر گزینه‌ها / گزینه (۱): «عشرین و سبعة» از اعداد معطوف است و باید به شکل «سبعة و عشرین» بیاید. / گزینه (۲): «مهندسین» معدود عدد «خمسة عشر» است و باید به صورت مفرد یعنی «مهندساً» به کار رود. / گزینه (۴): معدود عدد «عشرة» باید به صورت جمع بیاید.
 ترجمه گزینه‌ها / گزینه (۱): از آن‌چه داشتم به بیست و هفت فقیر انفاق کردم. / گزینه (۲): با پانزده مهندس در کشور چین صحبت کردیم. / گزینه (۳): یک دانش‌آموز، مداد رنگی‌اش از فروشنده خرید. / گزینه (۴): ده خانواده در روستای مادربزرگم زندگی می‌کنند.
۱۷۸- گزینه ۲ بررسی سایر گزینه‌ها / گزینه (۱): «سنوات» باید به صورت «سنّة» بیاید؛ زیرا معدود اعداد عقود باید مفرد باشد. / گزینه (۳): «مرة» باید به صورت جمع بیاید؛ زیرا معدود اعداد ۱ تا ۱۰ جمع است. / گزینه (۴): «لغتين» معدود عدد «اثنین» است و باید قبل از عدد قرار گیرد.
 ترجمه گزینه‌ها / گزینه (۱): کلاغ سی سال یا بیشتر زندگی می‌کند. / گزینه (۲): در مدرسه ما پنج کلاس و یک کتابخانه ساخته شد.

۱۸۴- **گزینه ۳** در این گزینه، «دولة» مضاف‌الیه است.

ترجمه‌گزینه‌ها / گزینه (۱): در کارهای روزانه‌ام دو [چیز] را فراموش نمی‌کنم: خاموش کردن کولر و بستن شیر آب. / گزینه (۲): هنگامی که به سی‌سالگی رسید، به خاطر تألیف کتاب‌هایش در جهان معروف شد. / گزینه (۳): آیا می‌دانی که چین اولین کشور در جهان است که پول‌های کاغذی را به کار گرفت؟ / گزینه (۴): پدرم مشهورترین نویسنده داستان‌های کودکان است و در بیست‌سالگی‌اش کارگر بود.

۱۸۵- **گزینه ۱** **بررسی سایرگزینه‌ها** در سایر گزینه‌ها به ترتیب، «ثلاثین»، «خمسون» و «ثمانون» از اعداد عقود هستند.

ترجمه‌گزینه‌ها / گزینه (۱): دریا مسافت دویست کیلومتر از شهر ما فاصله دارد. / گزینه (۲): در کتابی خواندم که کلاغ سی سال یا بیشتر زندگی می‌کند. / گزینه (۳): تعداد همراهان، پنجاه (نفر) از خویشاوندانم هستند. / گزینه (۴): هشتاد درصد از موجودات جهان، حشرات هستند.

۱۸۶- **گزینه ۱** معدود اعداد یازده تا نود و نه به صورت مفرد می‌آید؛ در نتیجه «أثمة» باید به صورت «إماماً» بیاید.

ترجمه‌گزینه‌ها / گزینه (۱): تعداد امامان اهل بیت دوازده امام است. / گزینه (۲): سگ حیوانی است که می‌تواند صدای ساعت را از فاصلهٔ چهل قدم بشنود. / گزینه (۳): هر سال چهار فصل و هر فصل سه ماه دارد. / گزینه (۴): خواندن درس‌هایم را صبح شروع کردم و دو بار آن‌ها را خواندم تا این که فهمیدم.

۱۸۷- **گزینه ۴** **ترجمه عبارت** «شاعر برای حاضران هشت بیت از دیوان پنجمش را خواند.»

بررسی سایرگزینه‌ها / گزینه (۱): للمخاطبة ← للغائبة (مفرد مؤنث غایب) / گزینه (۲): معدود «ثمانية»، «أبیات» است. / گزینه (۳): من الأعداد الترتیبیة ← من الأعداد الأصلیة

۱۸۸- **گزینه ۱** برای بیان درصد از «عدد + في المئة» استفاده می‌کنیم: خمسون في المئة

ترجمه‌گزینه‌ها / گزینه (۱): پنجاه درصد از کارگران اعتراض کردند. / گزینه (۲): یک پنجم دانش‌آموزان این مدرسه در مسابقات شرکت کردند. / گزینه (۳): شلواری به قیمت شصت هزار تومان خریدم. / گزینه (۴): نه ضرب در ده مساوی با نود است.

۱۸۹- **گزینه ۲** در این گزینه، «السابع» عدد ترتیبی است. **بررسی سایرگزینه‌ها** در سایر گزینه‌ها به ترتیب «واحدة»، «اثنَا عَشْرَ»، «عشرة» و «تسع عشرة» اعداد اصلی هستند.

ترجمه‌گزینه‌ها / گزینه (۱): یک سال دوازده ماه است. / گزینه (۲): دخترم در ماه هفتم میلادی متولد شد. / گزینه (۳): ده نفر در مسابقه حاضر شدند.

گزینه (۴): نوزده ماشین برای شرکت خریدیم.

۱۹۰- **گزینه ۲** «یقترحون» در صیغه جمع مذکر غایب، یعنی «للتغائبین» است.

۱۹۱- **گزینه ۳** در این گزینه، «واحدة» از اعداد اصلی است.

ترجمه‌گزینه‌ها / گزینه (۱): کسی را غیر از خدا نپرستید. / گزینه (۲): پدر بزرگم یکی از مزرعه‌ها را به دو قسمت تقسیم کرد. / گزینه (۳):

قطعاً این امت شما یک امت [واحد] است و من پروردگارتان هستم پس مرا بپرستید. / گزینه (۴): قرآن ما را به وحدت و دوری از گناهان فرمان می‌دهد.

۱۹۲- **گزینه ۲** با توجه به مفهوم جمله، در جای خالی باید عدد ترتیبی «یکم» را قرار دهیم و این عدد صفت برای «الفائز» است، بنابراین باید از نظر جنس با موصوفش مطابقت داشته باشد.

ترجمه عبارت «سعید در مسابقه برنده شد و جایزهٔ طلائی را به دست آورد، پس او برندهٔ اول است.»

۱۹۳- **گزینه ۳** **ترجمه عبارت** «من همراه یازده همکلاسی از همکلاسی‌هایم ساعت هفت صبح به کتابخانه رفتم. از [امیان] ما دو همکلاسی برگشتند، ولی ما پنج ساعت آن‌جا ماندیم، هنگام برگشت تعداد ما ده نفر و ساعت دوازده بود.»

توجه کنید که در این‌جا باید خود شخص گوینده را هم محاسبه کنیم (رد گزینه‌های ۲ و ۴)؛ در ضمن عدد ترتیبی «الثانية عشرة» در نقش صفت است، بنابراین باید با «الساعة» مطابقت داشته باشد. (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

۱۹۴- **گزینه ۲** **ترجمه عبارت** «همراه خانواده‌ام روز یکشنبه به یک مسافرت رفتم. سفرمان سه روز طول کشید. ساعت هفت صبح برگشتم. پنج ساعت در راه بودیم و در ساعت دوازده روز چهارشنبه به خانه‌مان رسیدیم.»

همان‌طور که در پاسخ سؤال قبل گفته شد، «الثانية عشرة» صفت «الساعة» است و باید با آن مطابقت داشته باشد. (رد گزینه‌های ۱ و ۳)؛ سه روز بعد از یکشنبه هم می‌شود: چهارشنبه. (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

۱۹۵- **گزینه ۴** **ترجمه عبارت** در تیم ما یازده بازیکن بود. بازی ما مدت دو ساعت طول کشید. بیست دقیقه از بازی گذشت. دو بازیکن از ما زخمی شدند. نه بازیکن مسابقه را به مدت یک ساعت و چهل دقیقه تا پایان بازی ادامه دادند.

ترجمه‌گزینه‌ها / گزینه (۱): هفت - یک ساعت و چهل / گزینه (۲): نه - دو ساعت و بیست / گزینه (۳): شش - یک ساعت و چهل / گزینه (۴): نه - یک ساعت و چهل

۱۹۶- **گزینه ۲** **ترجمه عبارت** «روزهای هفته، هفت‌تا و روز میانی آن‌ها سه‌شنبه است.»

ترجمه‌گزینه‌ها / گزینه (۱): هفت - دوشنبه / گزینه (۲): هفت - سه‌شنبه / گزینه (۳): هفتم - دوشنبه / گزینه (۴): هفتم - سه‌شنبه

۱۹۷- **گزینه ۱** **ترجمه‌گزینه‌ها** / گزینه (۱): بیست ریال ضرب در پنج مساوی با صد ریال است. / گزینه (۲): نود ریال منهای بیست مساوی با شصت ریال است. / گزینه (۳): یازده ریال به‌اضافهٔ نه مساوی با هفت ریال است. / گزینه (۴): هشتاد ریال تقسیم بر بیست مساوی با چهل ریال است.

۱۹۸- **گزینه ۳** «واحد» از اعداد اصلی است. **بررسی سایرگزینه‌ها** در سایر گزینه‌ها به ترتیب «الخامسة»، «الثالث»، «العاشر» و «الثانية» اعداد ترتیبی هستند.

ترجمه‌گزینه‌ها / گزینه (۱): ساعت پنج غروب در وعده‌گاه حاضر شد. (حاضر شدم) / گزینه (۲): امروز در مدرسه فصل سوم از درس دهمان را مطالعه کردیم. / گزینه (۳): از دوستم خواستم که فقط

۲۰۶- گزینه ۱ **بررسی سایر گزینه‌ها** گزینه (۲): «عَشْرَة» درست نیست و حرکت‌گذاری درست آن «عَشْرَة» است. / گزینه (۳): «أَسْرَتِه» صحیح است. / گزینه (۴): «خَمْسُون» غلط است و نگارش صحیح آن «خَمْسُونَ» است؛ زیرا مانند جمع مذکر سالم در انتهای آن «وَن» یا «یَن» می‌آید.

۲۰۷- گزینه ۳ **بررسی سایر گزینه‌ها** «سِت» اشتباه است و حرکت‌گذاری درست آن «بِسْت» می‌باشد.

یکی از کتاب‌های درسی‌اش را به من بدهد. / گزینه (۴): کشاورز به پسرش گفت: ما باید قطعه دوم از این زمین را درو کنیم.

۱۹۹- گزینه ۱ **بررسی سایر گزینه‌ها** با توجه به معنای جمله، عدد اصلی مورد نظر است؛ از این رو باید از «ثَلَاثَة» استفاده شود.

ترجمه گزینه‌ها گزینه (۱): سه کتاب وجود دارد که تا الان آن‌ها را نخونده‌ام. / گزینه (۲): مقاله هشتم این دانشمند را مطالعه کردم. / گزینه (۳): دانش‌آموز چهارم هم در کلاس حاضر شد. / گزینه (۴): یازده دانش‌آموز از مدرسه خارج شدند.

۲۰۰- گزینه ۳ **بررسی سایر گزینه‌ها** در این گزینه، «السَّابِعَة» از اعداد ترتیبی است. در سایر گزینه‌ها به ترتیب «اثنان»، «واحد» و «اثنان عَشْرَة» از اعداد اصلی هستند.

ترجمه گزینه‌ها گزینه (۱): دو کشاورز، این مزرعه بزرگ را درو کردند. / گزینه (۲): یک سرنشین روبه‌روی خانه ما از ماشین پیاده شد. / گزینه (۳): ما باید ساعت هفت در ایستگاه باشیم. / گزینه (۴): دوازده گربه اطراف قطعه‌ای گوشت جمع شدند.

۲۰۱- گزینه ۲ **بررسی سایر گزینه‌ها** با توجه به مفهوم جملات و جایگاه اعداد، در گزینه (۱) باید «الشَّهْر الخَامِس» (عدد ترتیبی)، در گزینه (۳) «سبعة أيام» (عدد اصلی) و در گزینه (۴) «التمرین الثَّانِي» بیاید.

ترجمه گزینه‌ها گزینه (۱): پدرم بعد از ماه پنجم از سفر باز خواهد گشت. (اگر هم بخواهیم بگوییم «بعد از پنج ماه» باید گفته شود: خمسة أشهر) / گزینه (۲): این مقاله در سال دوم نوشته شد. (این مقاله را در سال دوم نوشتم). / گزینه (۳): به بیماری‌ای دچار شد و هفت روز به مدرسه نرفت. / گزینه (۴): تمرین دوم از کتاب را کار کردیم.

۲۰۲- گزینه ۱ **بررسی سایر گزینه‌ها** با توجه به مفهوم جمله و نیز با توجه به این که اعداد در این عبارت بعد از معدود قرار می‌گیرند، باید در جاهای خالی اعداد ترتیبی بیایند.

ترجمه عبارت «در صفحه یازدهم در سطر پنجم، اشتباه دهم را تصحیح کردم.»

۲۰۳- گزینه ۴ **بررسی سایر گزینه‌ها** با توجه به این که «الرابعة» در عبارت سؤال از اعداد ترتیبی است و اعداد ترتیبی برای اسم ماقبل خود صفت محسوب می‌شوند؛ بنابراین اسمی که در جای خالی سوم قرار می‌گیرد، موصوف است و باید از نظر جنس با «الرابعة» هماهنگی داشته باشد؛ کلمه «الطالب» در گزینه (۴) چون مذکر است با «الرابعة» مطابقت ندارد و برای جای خالی مناسب نیست.

۲۰۴- گزینه ۳ **بررسی سایر گزینه‌ها** اعداد ترتیبی اگر بعد از معدود خود بیایند، صفت آن محسوب می‌شوند.

ترجمه گزینه‌ها گزینه (۱): سال تحصیلی از نه ماه تشکیل می‌شود. / گزینه (۲): و سه ماه دیگر به تعطیلی اختصاص دارد. / گزینه (۳): و در بخش سوم از سال ادبیات فارسی می‌خوانیم. / گزینه (۴): و زبان عربی دوازده درس دارد که آن‌ها را در طول سال می‌خوانیم.

۲۰۵- گزینه ۲ **بررسی سایر گزینه‌ها** اعداد یک و دو باید بعد از معدود قرار بگیرند. **ترجمه گزینه‌ها** گزینه (۱): هشت معلم را در مراسم دیدم. / گزینه (۲): یک کتاب و دو مداد روی میز کار است. / گزینه (۳): کلاس، چهار در و دو پنجره دارد. / گزینه (۴): این صفحه فقط ده سطر دارد.